

هیأت عالی رتبه پاکستان به تهران آمد تا مقدمات دور دوم گفت‌وگوی مستقیم میان ایران و آمریکا را فراهم کند. گفته می‌شود: احتمالاً آتش بس تا ۴۵ روز تمدید خواهد شد

تمسخر پاپ

انتقاد به ترامپ به دلیل توهین به رهبر کاتولیک‌ها افزایش یافت



یادداشت روز

معامله دشوار

لزوم عبور از قدرت سخت به قدرت نرم



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

با احتمال از سرگیری دور دوم مذاکرات بین ایران و آمریکا، محتمل است که غنی‌سازی و بازگشایی تنگه هرمز مهم‌ترین موضوعات مورد بحث باشند و در نهایت این دو موضوع سرنوشت مذاکرات را رقم بزند. موضوع غنی‌سازی برای دونالد ترامپ، اولویت اول است. غنی‌سازی در ایران به دلایل مرتبط با سیاست داخلی آمریکا نیز برای ترامپ مهم است. در «برجام اوپاما» در مورد ادامه حداقلی از غنی‌سازی در ایران و حفظ ساختار و تأسیسات مربوطه توافق شد. این شاید همیشه مهم‌ترین ایراد مخالفان برجام در آمریکا بوده است. در همین رابطه، بندهای غرب برجام نیز محل ایراد بوده است. ترامپ طی ۱۰ سال گذشته مستمر مدعی بوده که ادامه غنی‌سازی در چارچوب برجام و پس از انقضای آن مسیر دستیابی ایران به بمب است که باید بسته نشود. ترامپ بر پایه طرح همین ادعا در افکار عمومی آمریکا از برجام خارج شد و آن را «بدترین توافق تاریخ بشر از زمان حضرت آدم تاکنون» خواند. او در دوره اول خواستار «اصلاح برجام» و بندهای غرب آن بود و از ابتدای دور دوم ریاست جمهوری اش تاکنون بر «غنی‌سازی صفر در ایران» اصرار کرده است. این مسئله اکنون عملاً به یک موضوع حیثیتی برای ترامپ تبدیل شده است. تصور او این است که پذیرش ادامه غنی‌سازی در ایران حتی در حد نیم درصد به معنای حفظ روند غنی‌سازی است و هر توافقی بر این مبنا یک «برجام دوم» خواهد بود. چراکه برجام اوپاما نیز بر ادامه غنی‌سازی در حد ۳.۶۷ درصد و رفع محدود تحریم‌های فرامرزی استوار بود و در چنین صورتی، متهم به بازگشت به «برجام اوپاما» خواهد شد. به همین دلیل، غنی‌سازی مهم‌ترین مسئله برای ترامپ است. در ادوار مذاکراتی قبل از جنگ ۴۰ روزه ظاهراً از امکان تعلیق غنی‌سازی به عنوان یک راه‌حل صحبت شده بود. با توجه به سابقه تعلیق غنی‌سازی در سال ۱۳۸۲ به مدت دو سال این گزینه همچنان می‌تواند مطرح باشد. اختلافات احتمالی بر سر مدت آن نیز قاعدتاً باید قابل حل باشد. در مورد برنامه موشکی برخلاف تصور برخی در ایران که فکر می‌کنند اگر در موضوع غنی‌سازی کوتاه بیاییم، بعد به سراغ برنامه موشکی می‌روند سپس موضوع منطقه و الی آخر، شواهد و قراین نشان می‌دهد که برنامه موشکی ایران و محور مقاومت در اولویت دولت ترامپ نیست. تنها در ۱۶ ژانویه گذشته بود که یک مقام آمریکایی (ویتکاف) برای اولین بار از درج برنامه موشکی ایران در دستور مذاکرات با ایران در کنار غنی‌سازی ۴۶۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد، «موشک‌ها» و «منطقه» به صورت گذرا سخن گفت. مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا، نیز دو هفته قبل از جنگ اشاره‌ای به مسئله موشکی و منطقه‌ای کرد. برای آمریکا، مسئله مهم این است که ایران موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای نداشته باشد. در مورد گروه‌های محور مقاومت نیز اکنون فرض آمریکایی‌ها این است که این گروه‌ها طی سه چهار سال گذشته تضعیف شده‌اند و مشکل حادی نیستند. در واقع، مسئله اصلی غنی‌سازی است و تصور ترامپ این است که اگر توافقی که مطلوب او باشد، حاصل شود، می‌تواند اعلام پیروزی کند. طبیعتاً در این صورت، ایران نیز با رفع کامل تحریم‌ها می‌تواند، اعلام پیروزی کند. البته اخیراً تنگه هرمز نیز به یک مشکل جدید در روابط ایران و آمریکا تبدیل شده است. این مشکل با حمله آمریکا به ایران و به نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز شروع شد. ایران این حق را داشت که در شرایط جنگی، رژیم حقوقی معمول حاکم بر تنگه‌های بین‌المللی را به‌طور موقت تعلیق کند و در چارچوب دفاع از خود اقدام کند؛ امری که از نظر حقوقی نیز موجه است. اما صحبت برخی در ایران راجع به ادامه کنترل تنگه هرمز در آینده و اعمال عوارض عبور و شکل‌گیری طرح از جانب مجلس در این رابطه این مسئله را به موضوعی هم‌بستگی با غنی‌سازی از نظر اهمیت تبدیل کرد.

ادامه در صفحه ۳

گزارش میدانی سازندگی از ۴۰ روز فعالیت شبانه‌روزی امدادگران هلال احمر و گفت‌وگو با آنها

ناجیان زندگی

گویی بعضی خانه‌ها و ساختمان‌ها از ابتدا ساخته نشده بودند، انگار هیچ‌وقت مادری با سوسا، شمعدانی‌ها را روی طاقچه نچیده و به شوق نوروز، غبار از رخ پنجره‌ها نگرفته بود. انگار هیچ‌گاه صدای خنده کودکی از میان این دیوارها نروییده و هیاهوی اول مهر، حیاط حالا ساکت مدرسه را بیدار نکرده بود. موشک‌ها، رد زندگی را با گوگرد و خاکستر شسته‌اند. حوالی میدان رسالت، هوا هنوز بوی باروت و غبار آوار می‌دهد؛ انگار آسمان شهر سوگوارتر از آن است که اجازه دهد، گرد انفجار بنشینند. ادامه در صفحه ۶



فائزة مومنی

گروه اجتماعی



دیدگاه: یادداشت سیاسی

شرط ماندگاری توافق

اجماع داخلی؛

پیش‌نیاز پایداری هر مذاکره خارجی

عاطفه شمس

گروه سیاسی



در هر کشور، مذاکره با طرف‌های خارجی در واقع ادامه سیاست داخلی است نه چیزی جدا از آن. به همین دلیل، نتیجه یک گفت‌وگو را فقط نمی‌شود در میز مذاکره یا متن توافق سنجید. آنچه به یک توافق دوام می‌دهد، وجود یک اجماع نسبی در داخل کشور است که اگر نباشد حتی بهترین توافق‌ها هم دیر یا زود با چالش مواجه می‌شوند و دوام چندانی نخواهند داشت.

این موضوع در مورد ایران هم بارها تجربه شده است. هر زمان بحث مذاکره با طرف‌های خارجی مطرح شده نقش فضای داخلی کاملاً تعیین‌کننده بوده است. تجربه سال‌های گذشته هم نشان می‌دهد که بدون هم‌فهمی نسبی در داخل هیچ توافقی نمی‌تواند به یک مسیر پایدار تبدیل شود.

در شرایط امروز و پس از جنگ تحمیلی اخیر، چه در فضای داخلی ایران و چه در ارتباط با مذاکرات منطقه‌ای از جمله گفت‌وگوهایی که در اسلام‌آباد دنبال می‌شود یک نکته مهم وجود دارد؛ اینکه موفقیت مذاکرات فقط به طرف مقابل مربوط نیست بلکه به میزان هماهنگی داخلی هم وابسته است.

به نظر می‌رسد حالا این ضرورت در سیاست داخلی ایران درک شده و نسبت به گذشته نوعی همگرایی نسبی در داخل شکل گرفته است. اگر در برخی دوره‌ها اصل مذاکره محل اختلاف جدی بود امروز در سطح کلی نگاه مشترکی درباره ضرورت پیگیری منافع ملی از مسیر دیپلماسی شکل گرفته و کمتر کسی اصل گفت‌وگو را نفی می‌کند. بیشتر بحث‌ها حول این است که مذاکره چگونه انجام شود، با چه چارچوبی پیش برود و چه خطوط قرمزی رعایت شود. این همگرایی حتی اگر کامل و بی‌نقص نباشد، می‌تواند به‌عنوان یک پشتوانه مهم برای هر روند مذاکره‌ای عمل کند.

برای درک بهتر اهمیت این موضوع، کافی است به تجربه توافق هسته‌ای در سال‌های گذشته نگاه کنیم. در آن زمان، دولت با هدف حل بخشی از مشکلات اقتصادی وارد مذاکره شد و ابتدا هم حمایت‌هایی در داخل وجود داشت. اما همزمان، اختلاف‌های جدی هم شکل گرفت. برخی جریان‌ها، اصل مذاکره و نتایج‌اش را زیر سوال می‌بردند و برخی دیگر مذاکره را تنها راه‌حل مشکلات کشور می‌دانستند.

بنابراین، اختلاف داخلی باعث شد توافق، هیچ‌وقت به یک پروژه ملی تبدیل نشود. در نتیجه با تغییر شرایط سیاسی و بین‌المللی، پایه‌های آن به‌سرعت سست شد. حتی در دوره اجرای توافق هم، پیام‌های متناقض داخلی باعث شد، انتظارات جامعه به‌درستی مدیریت نشود و این دوگانه، جامعه را هم در وضعیت انتظار و تردید نگه داشت.

شکل‌گیری چنین فضایی در داخل، اثر خود را در بیرون هم گذاشت. به این معنا که طرف‌های مقابل وقتی می‌بینند در داخل یک کشور درباره مسیر مذاکره اجماع وجود ندارد، در محاسبات خود محتاط‌تر یا حتی سخت‌گیرتر می‌شوند چون مطمئن نیستند، توافقی که امضا می‌شود، در آینده هم حمایت داخلی خواهد داشت یا نه؟

با این حال، تفاوت مهم امروز این است که این اختلاف‌ها کمتر به رد کامل مذاکره می‌رسد. بیشتر بحث‌ها درباره شکل، محدوده و جزئیات است، نه اصل گفت‌وگو. همین موضوع هم می‌تواند یک فرصت باشد تا حداقل اجماع لازم برای پیشبرد مذاکرات شکل بگیرد. این اجماع نسبی فقط یک موضوع سیاسی داخلی نیست بلکه مستقیماً بر قدرت چانه‌زنی کشور اثر می‌گذارد. هر چه موضع داخلی منسجم‌تر باشد و پیام واحدی از داخل به بیرون مخابره شود، طرف مقابل هم با درک روشن‌تری وارد مذاکره می‌شود. همچنین در داخل کشور این انسجام کمک می‌کند، انتظارات جامعه واقعی‌تر تنظیم و از موح‌های هیجانی جلوگیری شود.

در نهایت، اجماع داخلی به‌معنای حذف اختلاف‌نظر نیست. اختلاف دیدگاه در هر جامعه‌ای طبیعی است. اما مهم این است که این اختلاف‌ها به شکاف‌های عمیق و فرساینده تبدیل نشود. اگر چنین چارچوب مشترکی حفظ شود هر توافقی که در مسیر مذاکرات شکل می‌گیرد، شانس بیشتری برای ماندگاری خواهد داشت و می‌تواند از تجربه‌های ناپایدار گذشته فاصله بگیرد.

دفاع از مذاکرات

تأکید رئیس دولت اصلاحات بر پرهیز از تدریجی، حفظ انسجام ملی و عبور هوشمندانه از جنگ

خودشیفتگی‌ای به تحقیر و تهدید او پرداخت.

رئیس دولت اصلاحات تأکید کرد: متفکران آزاده جهان، تحلیلگران سیاسی، اندیشکده‌ها و رسانه‌ها و دولت‌ها به‌وضوح شکست راهبردهای جنگ‌افروزان و تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل را تبیین می‌کنند. اهمیت فروپاشی این اقتدار جهانی در کنسار تأثیر فرآیندهای جنگ بر اقتصاد جهانی، ایران را به وضعیتی رسانده که می‌تواند با اعتبار به توان و ظرفیت بالاتری نمتها در

گروه سیاسی: در میانه گذار از میدان جنگ به عرصه پیچیده‌تر دیپلماسی، مجموعه‌ای از مواضع سیاسی و تحلیلی از سوی چهره‌های مختلف کشور مطرح شده که در میان آنها، سخنان سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات جایگاه ویژه‌ای دارد. او با بسا نگاهی کلان و آینده‌نگر، تلاش کرده تصویری از وضعیت کنونی و الزامات عبور از آن ترسیم و بار دیگر توجه‌ها را به ضرورت مدیریت هوشمندانه این مقطع حساس جلب کند؛

جایی که به باور او، حفظ دستاوردهای نظامی و سیاسی تنها در گرو پرهیز از هیجان‌زدگی و تدریجی و حرکت به‌سوی تثبیت موفقیت‌ها از مسیر گفت‌وگو و اجماع ملی ممکن خواهد بود. رئیس‌جمهور اسبق ایران در جمع مشاورانش گفت: ایران به همت مدافعان شجاع و توانا و ملت فهیم و فداکار توانست رویای فروپاشاندن نظام سیاسی، استقلال، تمامیت ارضی و تمدن تاریخی خود را به شکست بکشاند و در موقعیت عزتمندانه‌ای قرار بگیرد که رسیدن به صلحی پایدار به‌رغم همه دشواری‌هایش دور از دسترس نیست.

خاتمی در ادامه به «ضرورت توجه همه‌جانبه و آینده‌نگرانه به وضعیت کنونی جنگ آمریکا

و اسرائیل علیه ایران» پرداخت و گفت: ۴۰ روز جنگ بی‌امان و حملات سنگین متجاوزان اسرائیلی و آمریکایی به منابع انسانی، نظامی، اقتصادی و علمی کشور و ورود عزتمندانه ایران به مرحله آتش‌بس ابعاد جهانی، منطقه‌ای و ملی جدیدی یافته است. نمی‌توان این وضعیت را با همان پیش‌فرض‌ها و چارچوب‌های ذهنی قبلی فهمید و نسبت به آنها موضع درست و مؤثر داشت.

رئیس دولت اصلاحات با تأکید بر اینکه «صلح پایدار رویه دیگر دفاع جانانه و همه‌جانبه است که پیچیدگی‌ها و سختی‌های تحقق آن بیش از پیچیدگی‌ها و سختی‌های میدان جنگ نظامی است» گفت: صلح مقوله‌ای فراتر از نبود جنگ است و نیاز به گفت‌وگوهای واقعی، مذاکرات هوشمندانه و توافقی‌های معقول دارد. گفت‌وگو در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در سطوح مختلف داخلی و خارجی خود نوعی دفاع مؤثر است. خوشبختانه ارکان قانونی کشور و دولت هم در این مرحله اقدامات خوبی را آغاز کرده و مذاکرات لازمی را انجام داده‌اند که همه باید به موفقیت این اقدامات کمک کنیم.

او ادامه داد: این جنگ تحمیلی و ناعادلانه به‌وضوح نشان داد که دوستان و دشمنان واقعی صلح چه افراد و جریان‌هایی بوده و به چه مبانی و معیارهایی در عمل متکی هستند. همین روزها دیدیم که چگونه عالیجناب پاپ لنسو چهاردهم، رهبر کاتولیک‌های جهان با چه صراحتی به دفاع از صلح و نقد جنگ‌طلبی ایستاد و در برابر او رئیس‌جمهور آمریکا با چه

حوزه

از حوزه به سیاست

چگونه آیت‌الله اعرافی به چهره‌ای اثرگذار تبدیل شد؟

گروه سیاسی: در بحبوحه جنگ اخیر و پس از شهادت رهبر انقلاب به دلیل موضع‌گیری‌های صریح‌اش، نامش بیش از گذشته مطرح شد تا جایی که در برخی روایت‌ها و گمانه‌زنی‌های فضای مجازی حتی ادعاهایی درباره نقش‌آفرینی او در سناریوهای احتمالی آینده رهبری هم دیده شد، تحلیل‌هایی که از سوی منابع رسمی تأیید نشد.

در تازه‌ترین اظهارات منتشرشده از او، آیت‌الله اعرافی با اشاره به «نظم جدید ایران و منطقه» گفته که ایران در نظم جدید منطقه، بسیاری از ملاحظات را کنار گذاشته و در آینده هم اگر فشارها بیشتر شود باز هم ملاحظات را کنار خواهد گذاشت و منطق دفاعی کشور هم امروز متناسب با شرایط جدید تنظیم شده است. داستان زندگی علیرضا اعرافی اما از سیاست شروع نمی‌شود. در میبد یزد و در سال ۱۳۳۸ متولد شد؛ در خانواده‌ای روحانی و ریشه‌دار. پدرش از چهره‌های نزدیک به فضای فکری امام خمینی (ره) بود و همین بستر خانوادگی، مسیر اولیه زندگی او را شکل داد. در سال‌های پیش از انقلاب، حضور او فقط محدود به درس و بحث نبود و به دلیل همراهی با جریان‌های مرتبط با نهضت امام خمینی (ره) مدتی را در زندان گذراند. پس از انقلاب، مسیرش بیش از پیش



جنگ بلکه بعد از جنگ و در استقرار صلح منطقه‌ای و جهانی دست بالاتری داشته باشد.

او با اشاره به اینکه «ما وارد مرحله جدید و حساس‌تری شده‌ایم» تأکید کرد: باید به دور از ذوق‌زدگی‌ها و تدریجی‌ها، موفقیت‌های نظامی و سیاسی کنونی را تثبیت کنیم و با شناخت دقیق و واقعی جامعه و ضرورت‌های بعد از جنگ و تحولات جدید اقتصادی و سیاسی جهان، سایه تهدید و تجاوز و جنگ را از ایران دور کنیم و ضرورتاً به سوی آینده‌ای برویم که در آن همه مردم به‌خصوص اندیشمندان، نخبگان و طبقات مختلف به‌عنوان شهروندان صاحب حق و حرمت در ساختن دوباره ایران آزاد، مستقل و آباد مشارکت جدی داشته باشند.

تأکید بر مقاومت و واقع‌گرایی

در کنار این نگاه، مسعود پزشکیان هم مواضعی صریح در قبال شرایط موجود اتخاذ کرده است. رئیس‌جمهور روز گذشته در جریان بازدیدهای ستادی و نظارتی‌اش با انتقاد از رفتارهای دوگانه در نظام بین‌الملل و با اشاره به مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران به‌رغم تجاوزگری آمریکا و رژیم صهیونیستی خاطر نشان کرد: ایران به‌دنبال جنگ و بی‌ثباتی نیست و همواره بر گفت‌وگو و تعامل سازنده با کشورهای مختلف تأکید دارد. با این حال، هرگونه تلاش برای تحمیل اراده یا واردسازی کشور به تسلیم، محکوم به شکست است و ملت ایران هرگز چنین رویکردی را نخواهد پذیرفت.

حمایت فراجنبی از دیپلماسی

علی‌ریبعی هم در یادداشتی که روز گذشته در روزنامه ایران منتشر شد با تأکید بر پیچیدگی شرایط بین‌المللی، ایفای نقش در مذاکرات را نیازمند درک عمیق، توان مدیریت بحران و شجاعت تصمیم‌گیری دانست و از محمدباقر قالیباف به‌عنوان گزینه‌ای مناسب برای این مسئولیت حمایت کرد. او با وجود رقابت سیاسی، قالیباف را دارای تجربه‌های ارزشمند

در حوزه‌های نظامی، اجرایی و تقنینی معرفی کرده و تأکید می‌کند که حمایت از او، حمایت از یک فرد نیست بلکه پشتیبانی از انسجام ملی در مسیر «دیپلماسی هم‌افزای اقتدار» است.

ریبعی در عین حال توصیه می‌کند، قالیباف از مشاوران و مذاکره‌کنندگان توانمند و فراجنبی استفاده کند و با نگاهی نو، متناسب با تحولات جهانی مسیرهای تازه‌ای برای حل بن‌بست‌ها بگشاید. او با تمثیلی از تجربه‌های گذشته قالیباف این مقطع را نقطه‌ای تعیین‌کننده در کارنامه او می‌داند که نیازمند ترکیب نگاه کلان و توجه به جزئیات است. در ادامه، ریبعی نسبت به تکرار خطاهای تاریخی هشدار داده و تأکید

می‌کند که برتری نظامی لزوماً به دستاورد پایدار سیاسی تبدیل نمی‌شود. به گفته او، همان‌طور که در میدان اعتماد به فرماندهی ضروری بود، در دیپلماسی نیز باید به تیم مذاکره‌کننده اعتماد کرد و از تضعیف آن پرهیز کرد. او در پایان بر ضرورت همدلی ملی، بلوغ سیاسی و حمایت مسئولانه از نمایندگان کشور برای تأمین منافع ملی تأکید می‌کند.

در همین چارچوب، برخی روایت‌ها از مذاکرات که از سوی نمایندگان مجلس مطرح شده، نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی به طرف مقابل همچنان پابرجاست و تأکید می‌شود این امریکاست که باید با اقدامات عملی، حسن‌نیت خود را ثابت کند. در عین حال، شماری از نمایندگان هم با ارزیابی مثبت از عملکرد تیم مذاکره‌کننده بر لزوم حفظ وحدت داخلی و خودداری از تضعیف این تیم در شرایط فعلی تأکید می‌کنند.

در مجموع، کنار هم قرار گرفتن این دیدگاه‌ها از یک مقطع حساس حکایت دارد؛ دوره‌ای که ایران در حال عبور از فضای جنگ به مرحله‌ای پیچیده‌تر در عرصه صلح و دیپلماسی است. در این مسیر نیز همه بر چند نکته مشترک تأکید دارند؛ حفظ انسجام داخلی، افزایش اعتماد عمومی، دوری از افراط‌گرایی و تلاش برای تثبیت دستاوردها. رویکردی که اگر چه از زوایای متفاوت بیان می‌شود اما در نهایت بر یک هدف مشترک یعنی عبور کم‌هزینه‌تر از شرایط بحرانی و دستیابی به موقعیتی پایدار در سطح ملی و بین‌المللی متمرکز است.

نقش او اما به حوزه و آموزش محدود نماند. عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، حضور در هیأت امنای دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مدیریت حوزه‌های علمیه سراسر کشور و عضویت در شورای نگهبان، او را به یکی از چهره‌های چندلایه در ساختار رسمی ایران تبدیل کرد. حتی حضورش در انتخابات مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۹۴ با وجود عدم کسب آرای لازم، نشان داد که مسیر فعالیت او تنها در چارچوب آموزشی و حوزوی تعریف نشده است. اعرافی بی‌خدایی، بت‌پرستی و مسیحیت را از جمله رقبای حوزه برشمرده و قسم را در برابر همه این رقبیان مسئول می‌داند. او از طرفداران «فرزندآوری» بیشتر و ایستادگی در برابر آمریکا است. اعرافی در خطبه‌های نماز جمعه تیرماه ۱۳۹۶ قم، بدون نام بردن از کسی، کسانی که آشتی ملی را مطرح می‌کنند به توبه و استغفار فراخواند. اکبر گنجی این جمله را خطاب به سیدمحمد خاتمی دانسته است. اعرافی را می‌توان از نسل روحانیونی دانست که از مسیر مدیریت آموزشی و فقهی به سطوح بالای سیاستگذاری نزدیک شده‌اند. شاید همین چندلایگی هم باعث شده که در این بزنگاه، نام او دوباره به متن خبرها و تحلیل‌ها برگردد.



اعرافیی در سال ۱۳۸۱ به ریاست مرکز جهانی علوم انسانی منصوب شد. در فروردین ماه سال ۱۳۸۷ در پیام رهبری جامعه‌المصطفی به‌جای مرکز جهانی علوم اسلامی تأسیس شد و اعرافی از همان آغاز، ریاست آن را برعهده داشته است. آن‌طور که خود او گفته تاکنون از طریق این نهاد ۵۰ میلیون نفر در سراسر دنیا شیعه شده‌اند.

تمسخر پاپ

انتقاد به ترامپ به دلیل توهین به رهبر کاتولیکها افزایش یافت

گروه بین الملل: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان وارد منازعه و توهین به او شد. ماجرا به جنگ ایران مربوط است که پساپ او را از جنگ انزارداد. بعد از آن انتشار تصویری از دونالد ترامپ در هیبتی شبیه به عیسی مسیح، موج گسترده‌ای از انتقادات را در میان چهره‌های مسیحی محافظه‌کار آمریکا به راه انداخت و در نهایت به حذف این پست از حساب کاربری رئیس‌جمهوری در شبکه تروث سوشال انجامید. این تصویر که به نظر می‌رسد با استفاده از هوش مصنوعی ساخته شده، ترامپ را با ردایی سفید و دستی نورانی نشان می‌داد که بر پیشانی مردی بیمار قرار گرفته؛ ترکیبی بصری که بی‌درنگ تداعی کننده، نقش شفا بخش مسیح در سنت مسیحی است. در پس‌زمینه این تصویر نیز نمادهایی چون پرچم آمریکا، مجسمه آزادی و جنگنده‌ها دیده می‌شدند. این پست بیش از ۱۲ ساعت در حساب ترامپ باقی ماند سپس حذف شد. انتشار این تصویر از آن جهت حساسیت بیشتری یافت که تنها اندکی پس از اظهارات تند ترامپ علیه پاپ لئو چهاردهم منتشر شد؛ ترامپ رهبر واتیکان را در زمینه برخورد با جرم و جنایت «ضعیف» و در سیاست خارجی «افتضاح» توصیف کرده بود. او پس از حذف تصویر نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران تأکید کرد که نیازی نمی‌بیند از

دیپلماسی

احتمال تمديد آتش بس

هیأت عالی‌رتبه پاکستان به تهران آمد تا مقدمات دور دوم گفت‌وگوی مستقیم میان ایران و آمریکا را فراهم کند. گفته می‌شود؛ احتمالاً آتش بس تا ۴۵ روز تمديد خواهد شد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در روزهایی که نفس‌ها در خلیج فارس حبس شده و انتظار برای صدای سکوت بمب‌ها به ثانیه‌ای ابدی بدل گشته، نشانه‌هایی از یک نفس عمیق دیپلماتیک به گوش می‌رسد. میانجی‌های منطقه‌ای روز چهارشنبه اعلام کردند که به تمديد آتش بس شكننده میان ایران و آمریکا نزدیکتر شده‌اند؛ آتش‌بسی که تنها دو هفته فرصت داشت و در ۲۲ آوریل، پیکر نقیض ب روی میز مذاکره از هم می‌پاشید. اما گویا هنوز رمقی در رگ‌های دیپلماسی باقی است. به گزارش آسوشیتدپرس، محاصره باندر ایران توسط نیروهای آمریکایی، نفس توفان را به شماره انداخته بود اما در پشت پرده، مقامات منطقه‌ای از یک «موافقت اصولی» خبر می‌دهند؛ چراغ سبزی کم‌نور برای ادامه گفت‌وگوها. با این حال راه پیش رو هموار نیست. سه نقطه کور، سه مانع بزرگ همچنان در میانه راه خودنمایی می‌کنند: برنامه هسته‌ای ایران، سرنویشت تنگه هرمز و غرامت خسارت‌های زمان جنگ. همان سه موضوعی که مذاکرات مستقیم آخر هفته گذشته را از ریل خارج کرد و حالا میانجی‌ها تلاش می‌کنند تا پالی بر فراز این شکاف عمیق بسازند. با این حال آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد هم گفته است که «به احتمال زیاد» مذاکرات آتش‌بس از سر گرفته خواهد شد. از همین روی روز چهارشنبه عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به منظور هماهنگی برای نشست ایران و آمریکا و انتقال پیام واشنگتن به تهران سفر کرد. این درحالی است که شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان به همراه یک هیات بلندپایه برای سفری رسمی چهار روزه عازم عربستان سعودی شد و قرار است بعد از آن به قطر و ترکیه برود.

در همین حال اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه پیام ترکیب هیات بلندپایه ایران در مذاکرات اسلام‌آباد را روشن خواند: توقف کامل جنگ، رفع تحریم‌ها و جبران خسارت‌های جنگ. تأکید بقایی بر این نکته بود که مذاکره به معنای پذیرش دیکته نیست: «اگر شرط یک طرف بر طرف دیگر تحمیل شود، این اسمش مذاکره نیست؛ این دیکته و تحمیل است.» او با قاطعیت افزود که حقوق هسته‌ای ایران ذیل پیمان انپیتی یک حق مسلم است و هیچ‌کس آن را اعطا نکرده که بخواهد سلب کند. به گفته بقایی، سطح و نوع غنی‌سازی قابل گفت‌وگوست اما توقف آن، به هیچ وجه روی میز نیست. در این میان، صدای هشدار نیز از سوی رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به گوش می‌رسد: هرگونه توافق میان ایران و آمریکا بدون حضور و نظارت آژانس، «توهمی بیش

پاپ عذرخواهی کند چراکه به گفته او، رهبر واتیکان «حرف‌های نادرستی را مطرح کرده است». ترامپ در پاسخ به این پرسش که آیا خودش تصویر عیسی مسیح را منتشر کرده به رسانه‌ها حمله کرد و آنها را «فیک‌نیوز» خواند و مدعی شد که در آن عکس، خود را به‌عنوان یک پزشک صلیب سرخ به تصویر کشیده است: «چون من حال آدم‌ها را بهتر می‌کنم و خیلی هم این کار را انجام دادم». این اقدام با واکنش تند شماری از چهره‌های مذهبی و محافظه‌کار مواجه شد. شان فیوشت، فعال مسیحی، تأکید کرد چنین تصویری «در هیچ شرایطی قابل قبول نیست» و باید فوراً حذف شود. رایلی گینز نیز هشدار داد «خدا را نمی‌توان به سخره گرفت» و انتشار چنین محتوایی را غیر قابل درک دانست. اظهارات ترامپ درباره پاپ لئو، انتقاداتی را در میان رهبران جهان نیز به همراه داشت. جورج مولوی، نخست‌وزیر ایتالیا، حمله لفظی ترامپ به پاپ لئو چهاردهم را «غیر قابل قبول» توصیف کرد؛ موضعی که مسابقه از سوی یکی از نزدیکترین متحدان اروپایی رئیس‌جمهور آمریکا که نشان‌دهنده موج گسترده انتقادات در ایتالیا از این اظهارات است. پاپ لئو چهاردهم در واکنش به این اظهارات، تأکید کرد که به انتقاد از جنگ ادامه خواهد داد و هشدار داد که پیام مسیحیت در حال سوءاستفاده است. او در گفت‌وگو با رویترز و در مسیر سفر به الجزایر گفت: «منی خواهم وارد جدل با او



ترامپ

شوم اما فکر نمی‌کنم، پیام انجیل برای این باشد که به شکلی که برخی استفاده می‌کنند مورد سوءاستفاده قرار گیرد». پاپ افزود که همچنان «با صدای بلند علیه جنگ» صحبت خواهد کرد و هدف خود را ترویج صلح، گفت‌وگو و همکاری میان کشورها برای یافتن راه‌حل‌های عادلانه معرفی کرد. او با اشاره به وضعیت انسانی در جهان گفت: «افراد زیادی در حال رنج کشیدن هستند و افراد بی‌گناه زیادی کشته می‌شوند. باید کسی باشد که بگوید، راه بهتری هم وجود دارد». پاپ لئو همچنین تأکید کرد که نقش خود را سیاسی نمی‌داند و گفت: «پیام کلیسا، پیام من و پیام انجیل این است: خوشا به حال صلح‌سازان». این اتفاق با واکنش ایران نیز همراه شد. مسعود پزشکیان در شبکه ایکس نوشت: «عالیجناب پاپ لویی چهاردهم به نمایندگی از ملت بزرگ ایران توهین به جناب‌عالی را محکوم می‌کنم و اعلام می‌دارم هتک حرمت عیسی (ع)، پیامبر صلح و برادری برای هیچ آزاده‌ای قابل قبول

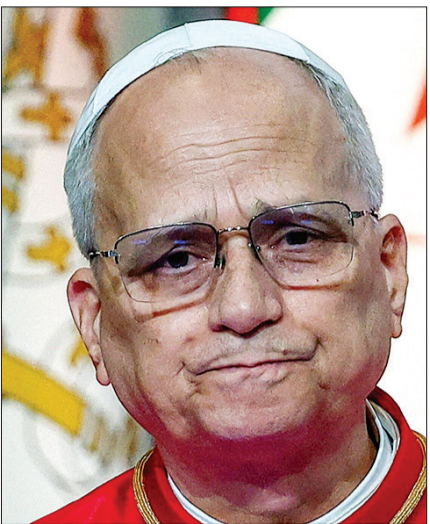
تا نقش کاتالیزور صلح را ایفا کنند. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، از تلاش کشورش برای تمديد آتش‌بس و ادامه مذاکرات خبر داد. چین نیز از طریق سخنگوی وزارت خارجه خود، گونو جیاکون، حمایت قاطع خود را از روند دیپلماتیک اعلام کرد و جلوگیری از شروع دوباره درگیری، حفظ آتش‌بس و بازگشایی تنگه هرمز را اولویت فوری خواند. قاسم الاعرجی، مشاور امنیت ملی عراق، نیز تأکید کرد که عراق از هر جهت از آغاز گفت‌وگوی مستقیم میان واشنگتن و تهران حمایت می‌کند چراکه این امر تنها راه تحقق امنیت و ثبات در منطقه است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران نیز در تماس‌های تلفنی فشرده با همتایان خود در عربستان، مصر، عمان، ترکیه، قطر، روسیه و فرانسه در حال چیدن سفره دیپلماسی گسترده‌ای است. اما در پس‌زمینه این تلاش‌ها، زورآزمایی نظامی نیز ادامه دارد. واشنگتن‌یست از اعزام بیش از ۱۰ هزار نیروی آمریکایی به خاورمیانه در دو هفته آینده خبر داده است. در مقابل، ایران نیز به صراحت اعلام کرده که در صورت هرگونه تجاوز مجدد، «دستش روی ماشه است». رابرت مالی، نماینده پیشین آمریکا در امور ایران، در مصاحبه اخیر خود به یکی از گره‌های کور اساسی اشاره کرد: تغییر مداوم سیاست‌ها و فقدان اهداف روشن از سوی رئیس‌جمهور آمریکا. مالی با اشاره به اینکه ترامپ توافقی «بالتر از برجام» خواسته، اعتراف کرد که ایرانی‌ها امتیازاتی داده‌اند که حتی به دولت او بامان ندادند: از جمله تعلیق موقت غنی‌سازی و رساندن ذخایر به صفر. از نگاه او با چنین امتیازاتی، اساساً دلیلی برای جنگ وجود نداشت. اکنون، منطقه در نقطه عطفی تاریخی ایستاده است: یا آتش‌بس به توافقی پایدار بدل خواهد شد و نفس‌ها در خلیج فارس از قفس سینه بیرون می‌آید، یا زورآزمایی نظامی دوباره شعله‌ور خواهد شد. پاسخ این پرسش، تنها در روزهای پیش رو روشن خواهد شد؛ روزهایی که خود شاید تعیین‌کننده‌ترین روزهای این سال‌های پرالتهاب خاورمیانه باشد.

روزنامه فایننشال تایمز در این رابطه در گزارشی نوشت: محاصره دریایی ایران را وادار به تسلیم نخواهد کرد بنابراین آمریکا با گزینه‌های بسیار دشواری روبه‌رو خواهد شد. حتی اعزام ناوهای جنگی نیز امنیت کشتیرانی را تضمین نمی‌کند چراکه چند حمله با پهپاد یا قایق‌های تندرو می‌تواند، بیمه نفتکش‌ها را غیرممکن کند. مذاکره برای پایان دادن به جنگ و بحران انسانی نیازمند چشم‌انداز راهبردی، صبر، درک تبادلات و توانایی ائتلاف‌سازی است؛ ویژگی‌هایی که ترامپ فاقد آن‌هاست و وضعیت آشفته فعلی نتیجه آن است. در همین راستا فارین افروز نیز در تحلیلی نوشت: دولت ترامپ نفوذ بسیار کمتری بر امور داخلی ایران نسبت به آنچه تصور می‌کند، دارد. ترامپ شرط بست که می‌تواند ایران را با بمباران وادار به تسلیم کند اما این رویکرد شکست خورد. اکنون با شروع محاصره دریایی خود به نظر می‌رسد که او در تلاش است تا ایران را از نظر اقتصادی و دیپلماتیک تحت فشار قرار دهد اما او تنها رئیس‌جمهور آمریکایی نیست که به دلیل دخالت در سیاست جمهوری اسلامی مقصر است. روسای جمهور سابق از جمله «رونالد ریگان»، «بیل کلینتون» و «باراک اوباما» همگی سعی کردند، برخی به زعم خود «میان‌درو» را در ایران تقویت کنند، درحالی که «جورج دبلیو بوش» و ترامپ، سعی در ایجاد تغییر نظام داشتند و هیچ‌کدام از آنها موفق نبودند.



نشان‌دهنده تغییر در رهبری و روایت‌پردازی است. با این حال، ترامپ در پلنفرم تروث سوشیال از گشایش دائمی تنگه هرمز برای چین سخن گفت و مدعی شد که پکن موافقت کرده، سلاحی به ایران نفرستد. او در مصاحبه‌های دیگر نیز گفت که تمديد آتش‌بس فکر نمی‌کند چون «احتمالاً نیازی به آن نخواهد بود» و وعده «دو روز شگفت‌انگیز» را داد. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، اما از زاویه دیگری وارد شد. او در یک سخنرانی سیاسی در جورجیا، برخلاف لحن متناقض ترامپ، از «توافق بزرگ و جامع» سخن گفت؛ توافقی که در قبال تعهد ایران به عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای، اقتصاد ایران را به جهان پیوند خواهد زد. ونس تأکید کرد: «اما اقتصاد ایران را رونق خواهیم داد و مردم ایران را به اقتصاد جهانی دعوت خواهیم کرد به گونه‌ای که در تمام عمرم چنین نکرده‌اند.»

در چنین شرایط پیچیده‌ای، کشورهای منطقه و جهان تلاش می‌کنند



پاپ

نیست. از خدا برای شما سربلندی آرزو می‌کنم». فراتر از خصومت شخصی، این منازعه پیامدهایی برای حقوق بین‌الملل و ثبات جهانی دارد. پاپ لئو ابراز تأسف کرده است که عصر کنونی با سازمان‌دهی نظامی و حملات پیشگیرانه، حقوق بین‌الملل را به «خاکستر» تبدیل کرده است. گزارش‌ها حاکی است که پنتاگون جلسه‌ای با نماینده پاپ برگزار کرده تا از ادامه انتقادات واتیکان از سیاست خارجی آمریکا جلوگیری کند. اقدامی که منتقدان آن را نقض استقلال سنتی سنت مقدس می‌دانند. از سوی دیگر، پاپ موضع «بدون ترس» را حفظ و تأکید کرده که مأموریت او ورود به سیاست حزبی نیست بلکه پایبندی به «پیام انجیل» است. این بی‌سست ایدئولوژیک نقش سنتی واتیکان را به‌عنوان میانجی بی‌طرف در منازعات جهانی تضعیف کرده است زیرا دولت ترامپ به‌طور فزاینده‌ای سنت مقدس را به‌عنوان یک بازیگر حزبی و نه یک پل‌ساز می‌بیند.

ادامه یادداشت روز

معامله دشوار

با این حال، حداقل در چارچوب حقوق بین‌الملل چنین اقداماتی تا تردیدهای جدی مواجه است و بعید به‌نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی آن را بپذیرد. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین تنگه‌های بین‌المللی است که رژیم مربوط به آن در کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ تعریف شده و درباره آن اجماع نسبی وجود دارد. این کنوانسیون توسط حدود ۱۷۰ کشور امضا و تصویب شده و ۶ کشور حاشیه خلیج فارس نیز آن را تصویب کرده‌اند. اگر قرار باشد، رژیم حقوقی جدیدی برقرار شود باید به ناچار یک رژیم بین‌المللی جدید باشد. در جهان چندین تنگه مهم دیگر نیز وجود دارد و اگر قواعد حقوقی موجود در یک مورد کنار گذاشته شود این خطر وجود دارد که رژیم مذکور در سایر موارد نیز با مشکل مواجه شود. در این میان مقامات باید توجه داشته باشند که بحث دریافت عوارض، به‌ویژه در ارقام نجومی مطرح شده، از نظر حقوقی و عملی چندان قابل اجرا نیست. حتی اگر به‌طور فرضی چنین عوارضی قابل دریافت باشد، میزان آن چندان قابل توجه نخواهد بود. افزون بر این، خطوط تفکیک ترافیک دریایی TSS در تنگه هرمز که توسط سازمان بین‌المللی دریانوردی تعیین شده‌اند از آب‌های سرزمینی عمان عبور می‌کنند چراکه عمق آب در آن بخش‌ها بیشتر است. بنابراین ایران در این زمینه از مزیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار نیست. اصرار بر چنین مباحثی می‌تواند به شکل‌گیری اجماع جهانی علیه ایران منجر شود چراکه موضوعی بین‌المللی است. در مقابل، ایران می‌تواند خود را به‌عنوان ضامن امنیت و آزادی تردد در تنگه هرمز معرفی کرده و بر تأمین امنیت کشتیرانی تأکید کند. این رویکرد می‌تواند، نوعی قدرت نرم برای کشور ایجاد کند و بر اعتبار نقش ایران در این تنگه بیفزاید و این قدرت را در روز مبادا به اشکال دیگر به کار گیرد؛ این درحالی است که توسل به قدرت سخت ممکن است به اجماع جهانی علیه ایران بینجامد. درحال حاضر نیز نشانه‌هایی از تلاش برخی کشورها، از جمله فرانسه و انگلیس، برای شکل‌دهی به ائتلافی دیپلماتیک دیده می‌شود و قطعنامه ۲۸۱۷ نیز در شورای امنیت در این مورد تصویب شده است که می‌تواند، مبنایی برای قطعنامه احتمالی بعدی باشد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد به نفع ایران است که در موضوع غنی‌سازی به نتیجه برسد و در مورد تنگه هرمز نیز در چارچوب قواعد و قوانین بین‌المللی عمل کند. در نهایت باید توجه داشت که در یک جنگ، تکیه صرف بر بُعد آفتابی می‌تواند مشکل‌ساز باشد. بُعد آفتابی نیز به همان اندازه مهم است. به‌علاوه جنگ باید پیوسته‌های خود در حوزه سیاست خارجی، به‌ویژه رابطه با کشورهای عربی، امنیت داخلی و نیز حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز داشته باشد. در نهایت با توجه به اینکه هر جنگی نیازمند پشتوانه‌های متعددی در حوزه‌های مختلف است، صرف اتکا به ابزار نظامی کافی نیست. با توجه به این مسائل، امید می‌رود که اگر فرضی برای توافق حاصل شد حداکثر استفاده از آن به عمل آید.

ادبیات کودک

ظرافت بی‌دردر

جان کلاسن برنده جایزه یادبود آسترید لیندگرن ۲۰۲۶ شد

جان کلاسن، نویسنده و تصویرگر جایزه یادبود آسترید لیندگرن (آلمان) ۲۰۲۶ را از آن خود کرد. این جایزه که بزرگترین جایزه کتاب کودک جهان است این تصویرگر کانادایی را به عنوان برنده جایزه ۵ میلیون کرون سوئد (تقریباً ۵۳۰ هزار دلار آمریکا) انتخاب کرد. این جایزه به نویسندگان، تصویرگران و سازمان‌هایی اهدا می‌شود که آثارشان یادآور روحیه لیندگرن نویسنده سوئدی است و در «بالاترین سطح تعالی» به ادبیات کودکان کمک می‌کنند. به گزارش پابلیشرز ویکلی، نام برنده این جایزه ۱۴ آوریل (سه‌شنبه ۲۵ فروردین) به صورت زنده از استکهلم، هم‌زمان در نمایشگاه کتاب کودک بولونیا اعلام شد.

شورای کتاب کودک کشورمان هم آرمان آرین را در بخش نویسندگان و هدا حدادی را در بخش تصویرگران به عنوان نامزدهای جایزه یادبود آسترید لیندگرن (آلمان) معرفی کرده بود. کلاسن از بیسن ۲۶۳ نامزد از ۷۴ کشور انتخاب شد. در تقدیرنامه هیأت داوران آمده است: «جان کلاسن از طریق داستان‌سرایی ظریف و خاطره‌انگیز خود در قالب کلمات و تصاویر، دیدگاه‌های جدیدی را در مورد جایگاه ما در جهان هستی مطرح کرده است. داستان‌های درخشان جان کلاسن به دلیل ظرافت بی‌دردر و عمق مبهم‌شان، که در آن خواننده به یک خالق مشترک تبدیل می‌شود، برجسته هستند.»

کلاسن در حالی که گفت بچه‌هایش را به مدرسه رسانده، به صورت تلفنی با بونل وستین، رئیس هیأت داوران جایزه آلمان، تماس گرفت و در طول پخش زنده مراسم گفت: «این خبر فوق‌العاده‌ای است. خیلی ذوق‌زده‌ام. نمی‌توانم بگویم این یعنی چه. آدم این کار را خودش انجام می‌دهد و وقتی به بچه‌ها می‌رسد و نتیجه‌اش را می‌بیند، خیلی تأثیرگذار است و آدم هیچ‌وقت برایش آماده نیست. باید گوشی را قطع کنم و چند دقیقه گریه کنم.»

کلاسن سال ۱۹۸۱ در ونینگ کانادا متولد شده و پس از تحصیل در رشته تصویرسازی، ابتدا به عنوان طراح و تصویرگر در فیلم‌هایی مانند «کوراالین» (۲۰۰۹) و «پاندای کونگ فو کار ۲» (۲۰۱۱) هم‌چنین در تولید ویدیو کار کرد. «شب‌گریه‌ها بیرون» (۲۰۱۰) اولین کار او به عنوان تصویرگر کتاب مصور بود. از سه‌گانه «کلاه» او شامل «من کلام را پس می‌خواهم»، «این کلاه من نیست» و «ما یک کلاه پیدا کردیم» میلیون‌ها نسخه در سراسر جهان فروخته و به ۲۲ زبان ترجمه شده‌است. کلاسن علاوه بر کتاب‌های خودش، هشت کتاب از نویسندگان دیگر را تصویرگری کرده است و تصاویر او در گلچین‌های مختلف نیز منتشر شده‌است. آثار او جایزه ادبیات جوانان آلمان (۲۰۱۳)، مدال کالدکات (۲۰۱۳)، مدال کیت گرینوی (۲۰۱۴) و جایزه کتاب انجمن ادبی بریتانیا (۲۰۱۴) را دریافت کرده‌اند. آسترید لیندگرن سال ۱۹۰۷ در مزرعه‌ای در نزدیکی ویمری، سوئد متولد شد. او نویسنده ۳۴ کتاب و ۴۱ کتاب تصویری بود که بیش از ۱۶۵ میلیون نسخه از آن‌ها فروخته شده و به بیش از ۱۰۰ زبان ترجمه شده‌اند. لیندگرن سال ۲۰۰۲ در استکهلم درگذشت. آسترید به‌خاطر دفاع و حمایت از حقوق کودکان و حیوانات و هم‌چنین مخالفت‌اش با تشبیه بدنی نیز شخص شناخته شده‌ای بود. در سال ۱۹۵۸ دومین دریافت‌کننده جایزه هانس کریستین آندرسن بود «پیبی جوراب‌بلنده»، ماندگارترین شخصیت لیندگرن، سال ۲۰۲۵ هشتاد ساله شد و با کمپین «بیشتر پیبی باشید» که توسط شرکت آسترید لیندگرن حمایت مالی می‌شد، مورد تجلیل قرار گرفت. جایزه یادبود آسترید لیندگرن (آلمان)، به مناسبت بزرگداشت این نویسنده محبوب سوئدی و یکی از پرطرفدارترین نویسندگان جهان از سال ۲۰۰۲ توسط دولت سوئد بنیان نهاده شده است. جایزه نقدی آلمان به مقدار ۵ میلیون کرون سوئد، به‌عنوان بزرگترین و گران‌ترین جایزه ادبیات کودکان و نوجوانان و دومین جایزه بزرگ ادبیات، پس از جایزه هانس کریستین آندرسن در جهان مطرح است. کارین هوگولوند، سفیر سوئد در ایتالیا که در این مراسم حضور داشت با تأکید بر این که تأثیر لیندگرن بر مردم سوئد و جهان «فراز از نسل‌ها» است از او به عنوان نوعی قطب‌نمای اخلاقی یاد کرد که به دیگران الهام می‌بخشد تا بایستند، از صدای خود استفاده کنند، در مواجهه با چالش‌ها شجاع باشند و هرگز تسلیم نشوند. این جایزه که از سال ۲۰۰۲ توسط دولت سوئد و برای بزرگداشت ادبیات و اهمیت مطالعه ایجاد شد، تاکنون به چهره‌ها و نهادهایی چون ماریون برون (۲۰۲۵)، بنیاد سوادآموزی بومی (۲۰۲۴)، لوری هالس آندرسون (۲۰۲۳) و ژاکلین وودسون (۲۰۱۸) اهدا شده است. مراسم اهدای این جایزه اواخر ماه مه در سوئد برگزار خواهد شد.

دعوت به ادبیات

جایزه ادبی هانس کریستین آندرسن ۲۰۲۶ به مایکل روزن رسید

مایکل روزن در ایران

مایکل روزن، شاعر و نویسنده‌ای که برای نگارش کتاب‌هایی همچون «ما به شکار خرس می‌رویم» و «کیک شکلاتی» شناخته می‌شود، به پاس یک عمر مشارکت در ادبیات کودک به عنوان برنده جایزه در بخش نویسندگی «هانس کریستین آندرسن» سال ۲۰۲۶ انتخاب شد. سیات روزنامه «گاردین» نوشت: «روزن چهارمین نویسنده بریتانیایی است که برنده این جایزه می‌شود. دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) که هر دو سال یک‌بار یک برنده را اعلام می‌کند در بیانیه‌ای گفت: «روزن در سراسر آثار خود اعم از شعر، رمان و آثار غیرداستانی، کودکان را به ادبیات دعوت، به همدلی تشویق و فضا را برای بحث درباره تاریخ، خانواده، فقدان، هویت و جامعه فراهم می‌کند.»

در این دوره احمد اکبرپور، نویسنده ایرانی نامزد این جایزه بود که به فهرست پنج نامزد نهایی نیز راه یافت. علاوه بر مایکل روزن، کای گانو، تصویرگر چینی به عنوان برنده جایزه «هانس کریستین آندرسن» در بخش تصویرگری اعلام شد. نکته این دوره از مراسم اعلام برندگان جایزه «هانس کریستین آندرسن» این بود که روزن به دلیل تغییرات قوانین پاسپورت پس از «برگریت»، مراسم اعلام برگزیدگان در بولونیا را از دست داد. این نویسنده به «ایندیپندنت» گفت: «این داستان پایان خوشی داشت، چراکه وقتی به خانه آمدم، یکی از اولین تماس‌هایی که گرفته شد، یک خانم ایتالیایی بود که به من گفت برنده جایزه هانس کریستین آندرسن شده‌ام.»

مایکل روزن که از میان ۷۸ نامزد از ۴۴ کشور مختلف به عنوان برگزیده این جایزه انتخاب شده، زاده ۷ مه ۱۹۴۶ نویسنده و شاعر کودک انگلیسی است که بیش از ۲۰۰ کتاب برای کودکان و نوجوانان و هم‌چنین بزرگسالان نوشته است. او مجری تلویزیون و ستون‌نویس سیاسی هم بوده است.

گزارش: سینمای ایران

وحشی نیمه‌کاره ماند

سریال‌های پرطرفداری که در زمان جنگ نبودند

درحالی که برخی از پلتفرم‌های پخش آنلاین فیلم و سریال، برنامه‌های خود را طبق روال معمول پیش می‌برند، قسمت‌های جدید چند سریال پرطرفدار مانند وحشی در طول زمان ۴۰ روزه جنگ، منتشر نشده‌اند و مشخص نیست چه زمانی پخش قسمت‌های تازه آن آغاز شود.

پرطرفدارها

در روزهای جنگ که دانشگاه‌ها و مدارس و بسیاری مشاغل تعطیل بودند و جمعیت زیادی، شهرهای بزرگ را به مقصد شهرهای کوچک‌تر، ترک کرده و یا به اجبار خانه‌نشینی طولانی‌مدت را تجربه کردند، برای بسیاری از مخاطبان جدی و حتی تفننی، جای خالی قسمت‌های جدید سریال‌های محبوب و پرطرفدار احساس می‌شد.

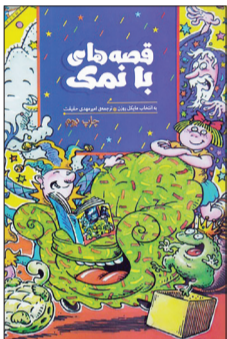
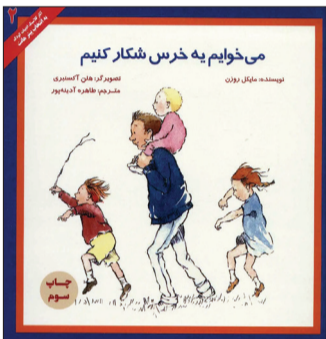
در روزهای قطعی اینترنت بین‌المللی، دسترسی به پلتفرم‌های پخش آنلاین برای مخاطبان امکان‌پذیر بود و شاید این شرایط ویژه، زمان مناسبی بود که بر تعداد مخاطبان افزوده شود اما واقعیت ماجرا این است که تولید آثار نیز از تبعات جنگ در امان نبود. این موضوع باعث شد که تولید برخی از سریال‌ها و آثار به‌طور موقت متوقف شود.

وحشی و یل در ابهام

سریال وحشی ساخته هومن سیدی، یکی از پرطرفدارترین سریال‌های ماه‌های اخیر بوده است. دو فصل اول این سریال از پلتفرم فیلم‌نت پخش شده و مورد توجه علاقه‌مندان هم قرار گرفته بود. وحشی با بازی جواد عزتی و نگار جواهریان، داستان زندگی کارگری است که یک اتفاق جنایی، مسیر زندگی‌اش را تغییر می‌دهد. پخش فصل اول این مجموعه از فروردین ۱۴۰۴ آغاز شد و فصل دوم‌اش نیز آذرماه سال گذشته در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. اما با وجود اعلام قبلی، هنوز فصل سوم این سریال روی پلتفرم آپلود نشده است. علی سرتیپی، تهیه‌کننده سرشناس سینما و مدیر پلتفرم فیلم‌نت، در گفت‌وگو با سازندگی درباره شرایط پخش ادامه سریال وحشی گفت: «در حال حاضر روند تولید این سریال متوقف شده است و مشخص نیست چه زمانی آغاز خواهد شد.»

البته که وحشی تنها سریال فیلم‌نت نیست که به‌واسطه شرایط جنگی کشور، روند تولیدش متوقف شده است. سرتیپی در ادامه با اشاره به دیگر سریال‌های فیلم‌نت گفت: «در حال حاضر سریال‌ها و برنامه‌هایی داریم که قسمت‌های جدیدش در پلتفرم برای علاقه‌مندان موجود است اما شرایط جنگ باعث شد که سه کار اساسی ما متوقف شود.

تصاویر آبرنگی دل‌نشین ما را با جریان قصه همراه می‌کند. برخی منتقدین این اثر را درعین حال که قصه‌ای هیجان‌انگیز و سرگرم‌کننده و همراه با شوخی و بازی و خنده دارد، داستانی درباره غلبه بر موانع اجتناب‌ناپذیر زندگی نیز دانسته‌اند که در هر سطحی می‌توان آن را به اشتراک گذاشت و از آن لذت برد. مایکل روزن، پسرش را زمانی که تنها ۱۸ سال داشت بر اثر بیماری از دست می‌دهد و پس از آن نمی‌تواند با غصه و غم و اندوه این فقدان کنار بیاید. تا این که روزی زمانی که برای معرفی یکی از کتاب‌هایش به کتابخانه رفته بود کودکان او را احاطه کردند و از او سؤالاتی درباره مرگ پسرش پرسیدند. این اتفاق البته برای مایکل بسیار شوکه‌کننده بود اما سعی کرد به زبانی ساده غم و اندوه و مرگ را برای کودکان توضیح دهد و البته متوجه شد این اولین بار است که توانسته به شیوه‌ای واقعی در مورد این مسأله صحبت کند. او تصمیم گرفت کتابی بنویسد تا کودکان بتوانند با خواندنش کمی بهتر سوگ، فقدان و غم و اندوه را درک کنند اما بعداً متوجه شد که این کتاب مناسب هر کسی است که توانسته با غم فقدان کنار بیاید. از دل غم مرگ ایدی کتاب «غم‌نامه مایکل روزن»



گزارش: سینمای جهان

جهان وستروس

فتح آگان؛ نسخه سینمایی بازی تاج و تخت
به سینما می‌آید

برای نخستین‌بار، «بازی تاج‌وتخت» راهی پرده سینما می‌شود: شرکت برادران وارنر رسماً از ساخت یک فیلم سینمایی خبر داده که به ریشه‌های وستروس می‌پردازد. نبرد برای قدرت در وستروس قرار است این‌بار روی پرده بزرگ سینما روایت شود. نخستین فیلم از دنیای «بازی تاج‌وتخت» بر شخصیت آگان تارگرین تمرکز دارد؛ کسی که لشکرکشی‌اش نظم جهان داستانی جرج آر. آر. مارتین را شکل داد. این خبر به‌طور رسمی در جریان سینما کان ۲۰۲۶ در لاس‌وگاس اعلام شد، جایی که این پروژه به‌عنوان بخشی از برنامه‌های سینمایی سال‌های آینده معرفی شد.

عنوان موقت پروژه

این فیلم در حال حاضر با عنوان موقت «بازی تاج‌وتخت: فتح آگان» شناخته می‌شود؛ نامی که به گزارش‌های وایتی برای پروژه در نظر گرفته شده است. این اثر قرار است جهان وستروس را که پیش‌تر در «بازی تاج‌وتخت»، «خاندان ازدها» و «شوالیه‌ای از هفت اقلیم» گسترش یافته، بیش از پیش بسط دهد.

نویسنده مشخص، جزئیات نامعلوم

بو ویلیامون به‌عنوان نویسنده فیلمنامه انتخاب شده؛ چهاره‌ای باتجربه که در شکل‌گیری سریال «خانه پوشالی» در تفلیکس نقش کلیدی داشت و در نگارش سریال «اندور» نیز مشارکت کرده است. با این حال، طرفداران باید صبور باشند؛ چراکه پروژه هنوز در مراحل اولیه قرار دارد. گفته می‌شود نسخه اولیه فیلمنامه آماده شده، اما به‌طور رسمی کارگردان هنوز مشخص نیست، بازگردان انتخاب نشده‌اند و زمان تولید نهایی هم نامشخص است. حتی احتمال خرید برادران وارنر دیسکاواری توسط شرکت‌های دیگر نیز می‌تواند بر روند تولید تأثیر بگذارد.

داستان فیلم درباره چیست؟

داستان فیلم به یکی از نخستین فصل‌های تاریخ وستروس می‌پردازد. آگان اول تارگرین حدود ۳۰۰ سال پیش از وقایع سریال اصلی، شش قلمرو از هفت پادشاهی وستروس را متحد کرد و تخت آهنین را ساخت. این رویدادها در کتاب «آتش و خون» روایت شده‌اند؛ اثری که برخلاف رمان‌های اصلی، بیشتر به‌صورت یک تاریخ‌نگاری نوشته شده است. به همین دلیل، اگرچه نتیجه جنگ‌ها مشخص است، اما جزئیات روابط شخصی و انگیزه‌ها برای اقتباس سینمایی باید بیشتر پرداخته شوند، مشابه کاری که در سریال «خاندان ازدها» انجام شد. در مجموع، این فیلم می‌تواند یکی از مهم‌ترین پروژه‌های دنیای «بازی تاج‌وتخت» باشد؛ چراکه به شکل‌گیری خود وستروس و قدرت‌گیری تارگرین‌ها می‌پردازد. داستانی که پایه و اساس تمام وقایع بعدی این جهان است.

این اسپین‌آف چیست؟

«فتح آگان» قرار است پیش‌درآمدی بر سریال‌های قبلی باشد. از تاریخ ۱۵ آوریل ۲۰۲۶ مشخص شده که این پروژه به‌صورت یک فیلم سینمایی ساخته خواهد شد. پیش‌تر گزارش‌هایی وجود داشت که هنوز بین ساخت سریال یا فیلم مردد هستند.

زمان انتشار چه زمانی است؟

در حال حاضر هیچ تاریخ انتشاری برای «فتح آگان» اعلام نشده است. با توجه به اطلاعات موجود، این پروژه هنوز در مراحل ابتدایی توسعه قرار دارد. در آخرین خبر، فیلمنامه‌نویس پروژه، متسون تاملین، حدود ۹ ماه پیش اعلام کرده بود که بخش زیادی از فیلمنامه را نوشته است. تا این لحظه هیچ تریلری برای «فتح آگان» منتشر نشده و پروژه در مراحل اولیه قرار دارد.

چه پلنفرمی آن را پخش می‌کند؟

هنوز اطلاعات رسمی درباره محل پخش منتشر نشده، اما از آنجا که اچ‌بی‌او تولید پروژه را برعهده دارد، احتمالاً پس از انتشار از طریق اچ‌بی‌او مکس در دسترس خواهد بود.

داستان درباره چیست؟

جزئیات دقیق داستان هنوز مشخص نشده اما در دنیای وستروس، «فتح آگان» به لشکرکشی آگان اول تارگرین اشاره دارد. او بیشتر سرزمین‌های وستروس (به‌جز دورن) را فتح کرد و به نخستین پادشاه بر تخت آهنین تبدیل شد. این رویداد یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ وستروس محسوب می‌شود، زیرا پایه‌گذار قدرت خاندان تارگرین بود و برای سال‌ها بر تاریخ این جهان (داستان) تأثیر گذاشت. در مجموع، «فتح آگان» می‌تواند یکی از مهم‌ترین آثار دنیای «بازی تاج‌وتخت» باشد، چراکه به یکی از کلیدی‌ترین رویدادهای این جهان می‌پردازد. البته باید توجه داشت که آگان تنها فرد با این نام در تاریخ تارگرین‌ها نیست و افراد دیگری نیز با همین نام وجود داشته‌اند. این احتمال وجود دارد که عنوان فیلم تغییر کند.

بازی تاج و تخت

سریال گیم‌آف ترونز یا همان «بازی تاج و تخت» یکی از موفق‌ترین سریال‌های دهه‌های اخیر است. این سریال در ژانر درام فانتزی اقتباسی از مجموعه «ترانه یخ و آتش» نوشته جرج آر. آر. مارتین است. از سال ۲۰۱۱ و از شبکه اچ‌بی‌او پخش شد. داستان بازی تاج‌وتخت در قاره‌های تخیلی وستروس و اسوس، در نزدیکی پایان یک تابستان ۱۰ ساله اتفاق می‌افتد و چندین خط داستانی را دنبال می‌کند. بازی تاج‌وتخت رکورددار شمار بیننده در شبکه اچ‌بی‌او است و در کشورهای مختلف طرفداران زیادی داشته و دارد. این سریال نامزد و برنده جوایز مختلفی شده که از میان آنها می‌توان به ۵۹ جایزه امی ساعات پربیننده از جمله بهترین سریال درام برای ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۱۸ اشاره کرد. دیگر افتخارات این مجموعه شامل نامزدی پنج جایزه گلدن گلوب بهترین مجموعه تلویزیونی - درام می‌شود.



که مایکل به شما می‌دهد این است که به هیچ‌وجه افراد را از روی ظاهر قضاوت نکنید.

«قصه‌های با نمک» نوشته مایکل روزن، مجموعه‌ای جذاب و شیرین از داستان‌هایی است که توانسته‌اند دل هزاران خواننده در سراسر جهان را به دست بیاورند. این کتاب با قلم ماهرانه روزن و تصویری‌گری‌های زیبا، ترکیبی دل‌نشین از طنز، معما و پیام‌های عمیق انسانی را در خود جای داده است. هر داستان، دنیایی کوچک ولی پر از زندگی و رنگارنگی است که خواننده را به سفری خیال‌انگیز می‌برد. مایکل روزن با نثری روان و شیوا، توانسته داستان‌هایی بنویسد که هم برای کودکان جذاب و هم برای بزرگسالان آموزنده و لذت بخش باشد. او با استفاده از شخصیت‌های با مزه و موقعیت‌های خنده‌دار، مفاهیم عمیقی چون دوستی، مهربانی، شجاعت و پذیرفتن تفاوت‌ها را به شکلی سرگرم‌کننده و تأثیرگذار بیان

متولد می‌شود. آیا نویسنده غمش را انکار می‌کند؟ آیا از آن می‌گریزد؟ آیا خواننده هم باید تجربه سوگ را از سرگذرانده باشد تا میان صفحات و خطوط غم‌نامه خودش را بیابد یا تجربه هر فقدان و رفتنی که جزء جدایی‌ناپذیر زندگی است، کافی است تا روزن را کنار بزند و خودش قهرمان کتاب شود؟ و از همه مهم‌تر جاده بی‌نور اندوه به کدام روشنایی و زایش می‌رسد؟ مایکل روزن در این کتاب با صداقت بی‌نظیر، کمی طنز، و تصاویر حساس کوتبتین بلیک، تجربه غم و اندوه را به گونه‌ای بررسی می‌کند که برای همه ما طنین‌انداز می‌شود. مایکل روزن این کتاب را با تصویری کارتونی از چهره خودش شروع کرده است و در پایین آن توضیح می‌دهد که او با این‌که در این تصویر خوشحال به نظر می‌رسد اما درواقع غمگین است و فقط تظاهر به خوشحالی می‌کند چون حس می‌کند مردم از مایکل غمگین خوش‌شان نمی‌آید. پس اولین درسی

سریال‌های در دسترس

ماجرای سریال‌های فیلمی کمی متفاوت است؛ سریال «بدنام»، تنها پس از پخش یک قسمت از آن با حکم ساترا توقیف شد. بعد از گذشت نزدیک یک ماه از توقیف این سریال، خبرها حاکی است که کم‌کم امکان پخش آن وجود ندارد. نویسنده و تهیه‌کننده این سریال، حامد عنقااست و حسن پورشیرازی بعد از درخشش در فیلم «بیرسر» نقش اول این سریال را بازی می‌کند. درحالی‌که وضعیت بدنام هنوز نامشخص است، قسمت بیستم سریال «هزار و یک‌شب» سه روز پیش روی پلتفرم فیلمیو قرار گرفت. در پلنفرم شنیدا به‌تازگی سه قسمت از سریال «اهل ایران»، که طراح اصلی آن محمدحسین مهدویان است، در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. این مجموعه که توسط چند کارگردان مختلف ساخته شده، به موضوعاتی در ارتباط با جنگ اخیر می‌پردازد. این پلتفرم سریال بامداد خمار را دارد، که فصل اول آن به پایان رسیده اما هنوز فصل ۲ این سریال در کنداکتور شنیدا دیده نمی‌شود. سریال بامداد خمار ساخته ترگس آبیبار، با بازی ترلان پروانه، نوید پورفرج، لاله اسکندری و... روی پلتفرم شنیدا قرار گرفته است. «هزارتو» داستانی امنیتی دارد و به تقابل نیروهای اطلاعاتی ایران با موساد می‌پردازد. امیرحسین آرمان و یکتا ناصر نقش‌های اصلی آن را ایفا می‌کنند و علی‌هاشمی آن را کارگردانی کرده است. در نماوا اما هنوز مشخص نیست که فصل سوم سریال سووشون ساخته ترگس آبیبار، چه زمانی آماده پخش می‌شود. این سریال که در آن میلاد کی‌مرام، بهنوش طباطبایی و سام درخشانی نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند، اقتباسی از رمان سووشون نوشته سیمین دانشور است. سووشون نیز در ابتدای پخش‌اش به دلایل ممیزی با توقیف‌های مقطعی مواجه شد اما با وجود آنکه گفته می‌شود فصل سوم این سریال آماده‌پخش است، هنوز تاریخ دقیقی درباره نمایش آن اعلام نشده است.

عطش مخاطبان و سریال‌های نیمه‌کاره

در حالی که برخی آثار به دلیل آنکه پیش از آغاز جنگ آماده شده‌اند، اکنون روی پلتفرم‌ها آپلود می‌شوند اما آنهایی که تولیدشان به‌روز بوده، عملاً متوقف شده‌اند. نکته اینجاست که در میان آنها پرطرفدارترین سریال‌های روز دیده می‌شوند و این شاید خبر خوبی برای علاقه‌مندان آنها نباشد. البته که از زمان آغاز آتش‌بس جریان زندگی با شتاب مناسبی به سوی عادی شدن پیش می‌رود و می‌تواند این امیدواری را به‌وجود آورد که بار دیگر روند تولید سریال‌های پرطرفدار آغاز شود. باید دید برنامه و نقشه راه پلتفرم‌های پخش آنلاین آثار نمایشی، برای شرایط پس از جنگ چگونه خواهد بود؟ و آیا تغییرات راهبردی در نحوه تولید و پخش به‌وجود خواهد آمد.

با توجه به شرایط ویژه موجود شاید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پلتفرم‌ها، مسائل اقتصادی و کارهای مربوط به جذب آگهی و تبلیغات باشد و این عملاً رابطه مستقیم تولیدات آثار نمایشی با شرایط را بازار نشان می‌دهد. اما آنچه اهمیت دارد این است که در شرایط دشواری مانند جنگ، تماشای فیلم و سریال و آثار نمایشی می‌تواند به مخاطبانش برای لمس شرایط عادی زندگی کمک کند.

طباطبایی بازیگران این سریال هستند که فعلاً زمان پخش‌اش مشخص نیست. سرتیپی افزود: «براساس برنامه‌ریزی که داشتیم، قرار بود پخش این آثار از فروردین باشد اما به دلیل توقف فیلمبرداری‌ها، نتوانستیم به این مهم دست پیدا کنیم». او با بیان اینکه این شرایط، ضررهای اقتصادی وجود دارد اما ما چنین چیزی را اصلاً مدنظر نداشتیم. این است که ضررهای اقتصادی وجود دارد اما ما چنین چیزی را اصلاً مدنظر نداشتیم. هنوز نتوانستیم فیلمبرداری این کارها را شروع کنیم. لوکیشن‌های بعضی از سریال‌ها، مکان‌های خاصی است و دسترسی به آن دشوار است و این نیز یکی از دلایل متوقف شدن تولید است». سرتیپی در پخش دیگری از صحبت‌هایش اضافه کرد: «در حال حاضر تقریباً سینماها تعطیل است و تولیدات متوقف شده‌اند. می‌توان گفت فرهنگ و هنر از بخش‌هایی بوده‌اند که بیشترین آسیب را در این مدت دیده است. اکنون شرایط به شکلی است که ما نمی‌توانیم چیزی درباره آینده بگویم و دورنمایی متصور شویم. مسئولان و سیاستمداران باید بگویند که چه زمانی برای بازگشت به وضعیت عادی، شرایط مناسب است».



شبکه

ادامه تیتربیک

۴۶ روز بلدتکلیفی دیجیتال

وزیر ارتباطات چه می‌کند؟

گروه اجتماعی: ۴۶ روز از آغاز اختلال یا قطعی گسترده اینترنت می‌گذرد؛ ۴۶ روزی که در تقویم رسمی شاید تنها یک بازه زمانی باشد، اما در زیست‌روزمره میلیون‌ها کاربر، فریلنسر، کسب‌وکار آنلاین و فعال اقتصادی، به‌معنای یک وقفه فرساینده در جریان عادی زندگی و اقتصاد دیجیتال است. در این مدت، نه تنها نشانی از یک برنامه زمان‌بندی روشن برای بازگشت به وضعیت پایدار دیده نشده، بلکه حتی توضیحی شفاف درباره چرایی تداوم این وضعیت نیز به افکار عمومی ارائه نشده است.

در چنین خلأی، آنچه بیش از خود اختلال به چشم می‌آید، نبود روایت رسمی منسجم است. از یک‌سو وزیر ارتباطات در مواضع عمومی بر حق همگانی دسترسی به اینترنت تأکید می‌کند و هرگونه «اینترنت طبقاتی» را فاقد موضوعیت می‌داند؛ از سوی دیگر، گزارش‌ها و شواهد میدانی از شکل‌گیری سازوکارهایی حکایت دارند که دسترسی پایدارتر و باکیفیت‌تر را در اختیار گروه‌های خاص -ازجمله برخی فعالان اقتصادی و دارندگان مجوزهای خاص- قرار می‌دهد. همین شکاف میان گفتار و تجربه زیسته کاربران، مسئله را از یک موضوع فنی به یک بحران اعتماد تبدیل کرده است.

در این میان، اعلام آغاز ارائه سرویسی موسوم به «اینترنت پرو» برای بخشی از فعالان اقتصادی، بار دیگر بحث نابرابری در دسترسی را برجسته کرده است. هرچند این طرح با ادبیات «تسهیل فعالیت اقتصادی» و «ضرورت‌های امنیتی» توضیح داده می‌شود، اما در سطح اجتماعی، این پرسش جدی را ایجاد کرده که اگر امکان دسترسی پایدار وجود دارد، چرا این امکان به شکل عمومی ارائه نمی‌شود و اگر محدود است، معیار این محدودیت چیست؟

در عمل، اقتصاد دیجیتال در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگری دچار عدم قطعیت شده است. کسب‌وکارهای آنلاین، به‌ویژه استارت‌آپ‌ها و فعالان کوچک، نه‌تنه افق روشنی برای برنامه‌ریزی دارند و نه امکان پیش‌بینی رفتار زیرساختی را. این وضعیت، سرمایه‌گذاری، توسعه محصول و حتی حفظ نیروی انسانی را با اختلال جدی مواجه کرده است. در اقتصادی که داده، ارتباط و اتصال نقش زیرساختی دارد، هر روز قطعی یا محدودیت، معادل توقف بخشی از چرخه تولید است.

با وجود این شرایط، انتظار افکار عمومی از وزارت ارتباطات صرفاً توضیحات کلی درباره «حکمرانی دیجیتال» یا اشاره به ملاحظات امنیتی نیست. مطالبه اصلی، شفافیت، پاسخگویی و ارائه نقشه‌راه مشخص است؛ اینکه این وضعیت تا چه زمانی ادامه دارد، چه نهادی مسئول تصمیم‌گیری است و مسیر بازگشت به شرایط عادی چگونه تعریف شده است. در غیاب چنین چارچوبی، حتی درست‌ترین گزاره‌های کلی نیز در سطح افکار عمومی به عنوان توجیه تلقی می‌شوند، نه توضیح.

بخشی از افکار عمومی و فعالان اقتصادی معتقدند نقش وزارت ارتباطات در این دوره بیش از آنکه اجرایی و پاسخگو باشد، به موضع‌گیری‌های رسانه‌ای و کلی‌گویی‌های مفهومی محدود شده است. انتشار یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای با محوریت مفاهیم کلان حکمرانی دیجیتال، اگرچه در سطح نظری قابل توجه است، اما در مواجهه با بحران روزمره کاربران، جایگزین پاسخ عملی به مسئله اصلی نمی‌شود.

از همین زاویه، این پرسش نیز مطرح است که اگر مدیریت و بازگرداندن اینترنت بین‌الملل به وضعیت پایدار، خارج از اختیارات یا توان اجرایی وزارت ارتباطات است، این موضوع باید به‌صراحت با افکار عمومی در میان گذاشته شود. پنهان‌کردن محدودیت‌های واقعی تصمیم‌گیری یا ارائه تصویر غیرشفاف از اختیارات، نه تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه سطح انتظار و نارضایتی را همزمان افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر اگر امکان بازگشت به وضعیت پایدار وجود ندارد، حداقل انتظار، پذیرش مسئولیت و شفافیت در بیان واقعیت است؛ نه تداوم وضعیتی معلق میان وعده، تکذیب و تفسیر. در غیر این صورت، فاصله میان سیاستگذار و جامعه کاربری، به شکافی عمیق‌تر تبدیل خواهد شد که ترمیم آن به‌مراتب دشوارتر از حل مسئله فنی اینترنت خواهد بود. اگر توانایی پذیرش مسئولیت وجود ندارد، چه از مسئولیت خود کناره‌گیری نمی‌کنید؟

در نهایت، مسئله اینترنت در ایران امروز دیگر صرفاً یک موضوع زیرساختی نیست؛ بلکه به شاخصی از کیفیت حکمرانی و میزان پاسخگویی نهادهای مسئول تبدیل شده است. آنچه در ظاهر به عنوان «اختلال ارتباطی» دیده می‌شود، در لایه‌های عمیق‌تر، مسئله‌ای درباره شفافیت، اعتماد و پیش‌بینی‌پذیری در حکمرانی دیجیتال است. ۴۶ روز گذشته، اما پرسش اصلی همچنان بدون پاسخ روشن باقی مانده است: آینده اینترنت در ایران چگونه تعریف شده و هزینه این بلدتکلیفی را چه کسانی و تا چه زمانی باید بپردازند؟

ناجیان زندگی

در خیابان فردوسی، مردم هنوز با همان عادت‌های قدیمی نشانی پلیس دیپلماتیک را می‌دهند و برای مرغ سوخاری دی، تا انتهای مطهری می‌روند اما بعد از نهم اسفند، جغرافیای شهر دیگر آن چیزی نیست که در نقشه‌ها می‌شناختیم. حالا به‌جای ساختمان‌ها، تلی از خاک و چارچوب‌های فلزی کج‌شده، باقی‌مانده که مانند دنده‌های بی‌رونده یک پیکر نیمه‌جان به‌ت‌زده به ما نگاه می‌کنند. اما این ویرانه‌ها روایتگرانی دیگری هم دارند؛ کسانی که نبض‌های ضعیف زیر آوار را شماره کرده‌اند و در دقایق کشسان میان مرگ و زندگی، پا به‌پای فروریختن هر سقف، استخوان‌های روح‌شان دانه‌دانه شکسته است. این گزارش، روایت آنهایی است که به قلب آوار زنده و آخرین نشانه‌های زندگی را نجات دادند؛ امدادگران سرخ‌پوش هلال‌احمر.

حتی یک انگشت از بچه‌ها پیدا شود، من هم مثل بقیه می‌روم سر مزارش

اولی از ویرانه‌های مدرسه مناب می‌گوید. کبری آجی‌حیدری، از روز سیاه مرگ ۱۶۸ دانش‌آموز؛ «در اداره شیفت بودم. حوالی ساعت ۱۱ صدای مهیبی آمد. نمی‌دانستیم چه چیزی هدف قرار گرفته. هنوز هیچ تصویری از ماجرا نداشتیم. یکی از همکاران ما که به محل نزدیک شده بود، تماس گرفت و گفت سریع خودتان را به مدرسه برسانید.

با مدیر مدرسه که دوستم بود، تماس گرفتیم. چند بار زنگ زد اما جواب نداد. دلشوره عجیبی داشتیم. فاصله اداره تا مدرسه زیاد نبود، سریع حرکت کردیم. وقتی رسیدیم، صحنه‌ای که دیدیم واقعاً وحشتناک بود؛ خانواده‌ها جمع شده بودند، فضا کاملاً آتشفشان و پر از اضطراب بود. در این ۱۵-۱۶ سالی که امدادگر داوطلب هلال‌احمر هستم، این صحنه یکی از غم‌انگیزترین چیزهایی بود که دیده بودم.

وقتی رسیدیم، تیم‌های ارزیاب جلوتر رفته بودند. تماس‌ها برقرار بود و نیروهای مختلف از شهرداری و سایر ارگان‌ها هم رسیده بودند. پدر و مادرا با اضطراب دنبال بچه‌هایشان می‌گشتند؛ یکی کفش بچه‌اش دستش بود، یکی لباسش. یکی از بچه‌ها به من گفت: «بیا سریع، فکر کنم دوسته» رفتم بالای سرش. اصلاً شناختمش. سرش زیر بدنش بود اما هنوز زنده بود و قلبش خیلی تند می‌زد. با احتیاط بلندش کردیم و فوراً به بیمارستان منتقل شد اما زنده نماند. من این

مدرسه را کامل می‌شناختم. چند ماه قبل برای آموزش رفته بودم آنجا؛ به بچه‌ها گفته بودم در مواقع بحران کجا پناه بگیرند، جای امن کجاست، جای ناامن کجاست، زیر نیمکت بروند، از سر و گردن محافظت کنند. حتی عکس‌هایی از همان آموزش‌ها داشتیم؛ بچه‌هایی که زیر نیمکت‌ها پناه گرفته بودند، معلم‌هایی که کنارشان بودند. مدرسه دو طبقه بود؛ طبقه بالا دخترانه، طبقه پایین پسرانه.

شما یک چیز می‌شنوید اما آنچه ما دیدیم، خیلی سنگین‌تر بود. موهای بچه‌ها را جمع می‌کردیم و داخل پلاستیک می‌گذاشتیم؛ شاید فقط برای اینکه دل مادری آرام شود. مادری می‌گفت: «حتی یک انگشت از بچه‌ها پیدا نشود، من هم مثل بقیه می‌روم سر مزارش».

ما ۵ روز کامل آنجا بودیم؛ تا نیمه‌شب، روزه بودیم اما کار می‌کردیم. خیلی از بیکرها متلاشی شده بودند. بعضی از بچه‌ها اصلاً قابل شناسایی نبودند. با آزمایش‌های DNA تعدادی از آنها شناسایی شدند اما هنوز هم یک نفر هست که پیکرش پیدا نشده است.

ما همان‌جا در حال آواربرداری بودیم که موشک بعدی هم دقیقاً به همان نقطه‌ای خورد که قبلاً هدف قرار گرفته بود. تعداد دخترها بیشتر بود. اما آن‌طور که ما بعداً متوجه شدیم، موشک به کلاس چهارم پسرانه اصابت کرده بود؛ یعنی بچه‌ها سر کلاس بودند. از کلاس ششم تقریباً همه بچه‌ها سالم مانده بودند اما در آن کلاس، آسیب جدی بود.

حمله حدود ساعت ۱۱ اتفاق افتاد. بعضی از بچه‌ها را سرویس‌ها زودتر برده بودند اما تعدادی هم هنوز داخل مدرسه بودند. برخی در حیاط، برخی در کلاس‌ها و بعضی هم احتمالاً در نمازخانه حضور داشتند. این مدرسه یکی از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین مدارس منطقه بود. دانش‌آموزان مختلفی در آن درس می‌خواندند؛ هم فرزندان نیروهای سپاه و هم خانواده‌های عادی. معلم‌ها هم از بهترین‌ها بودند. نزدیک به ۳۰ نفر از معلمان هم در این حادثه شهید شدند. حال روحی‌ام خوب نیست، دیدن این صحنه‌ها، ماندن در این فضا و تکرار هر روزه این خاطرات، آدم را خسته و شکسته می‌کند. چیزی نیست که به این راحتی از ذهن پاک شود. هر بار که مرور می‌کنم از درون می‌شکتم».

انگار بچه خودم را از زیر آوار بیرون آوردم

دیگری از قم است، شدت حملات به سراسر ایران به اندازه‌ای بود که برخلاف جنگ ۱۲ روزه برای کمک به تهران اعزام نشد. امیر قهرمانی.

«در این ۴۰ روز نتوانستیم خانواده‌هایمان را ببینیم و هر لحظه آماده بودیم که اگر اتفاقی می‌افتد به هم‌وطنان عزیزمان خدمت کنیم. چیزی که خیلی ما را اذیت می‌کرد، درگیر شدن کودکان و خانواده‌های بی‌گناه بود؛ مناطقی مسکونی که متأسفانه مورد اصابت قرار می‌گرفت و مردم بی‌گناه ما یا مجروح می‌شدند یا به شهادت می‌رسیدند.

روزی بود که شاید بیشتر از همیشه دلم لرزید. حادثه‌ای بود در خیابان کارگر استان که ما به آنجا اعزام شدیم. با توجه به فاصله کمی که مقر ما با آن نقطه داشت، سریع رسیدیم و از همان لحظات اولیه شروع به کار کردیم.

در یکی از نقاطی که شروع به تجسس کردیم، سگ‌های زنده‌یاب یک محل را جانمایی کردند. چند ثانیه بعد صدای گریه یک بچه را شنیدیم. مشخص نبود به‌خاطر انفجار بیهوش شده یا در شوک بوده؛ اول هیچ صدایی ازش نمی‌آمد اما با ادامه کار، ناگهان شروع به گریه کرد. مشخص شد زیر آوار، یک نوزاد ۶ ماهه است.

ما از نزدیک‌ترین نقطه به محل کودک، آواربرداری را شروع کردیم و خوشبختانه توانستیم، بچه را زنده از زیر آوار بیرون بیاوریم؛ یک پسر ۶ ماهه. متأسفانه مادرش به شهادت رسیده بود، بچه دقیقاً در آغوش مادرش بود. این صحنه برای

من هم خوشایند بود، هم دردناک؛ خوشایند از این جهت که توانستیم یک نفر را سالم و زنده نجات بدهیم و دردناک از این جهت که مادرش شهید شده بود و خانواده‌ای از هم‌پاشیده بود.

در آن محدوده پنج ساختمان درگیر شده بودند. در یکی از ساختمان‌ها یک مادر شهید شده بود. در ساختمان کناری، که کار برای ما خیلی سخت‌تر بود، سگ‌های زنده‌یاب دوباره جانمایی کردند و بعد از چند لحظه صدای یک زن را شنیدیم. به دلیل سنگینی آوار و حساس بودن نقطه، آواربرداری خیلی کند پیش می‌رفت؛ امکان استفاده از دستگاه‌های پیشرفته نبود و فقط با ابزارهای ساده کار می‌کردیم. متأسفانه زمان زیادی طول کشید و در لحظات آخر که به آن خانم رسیدیم، جانش را از دست داده بود.

حدوداً در ۱۲ نقطه شهری عملیات داشتیم. هر کدام از این صحنه‌ها تجربه‌ای بود که شاید هر کسی نه‌توان دیدنش را دارد و نه تحمل‌اش را. بعد از ۴۰ روز به خانه برگشتم، حال روحی خوبی ندارم و وقتی هم‌سر مرا دید، گفت کاش با این حال به خانه بر نمی‌گشتی. من خودم سه بچه دارم و دیدن آن نوزاد زیر آوار خیلی برام سنگین بود؛ انگار بچه خودم را نجات داده باشم. این تصاویر و اتفاقات، چیزی نیست که به راحتی از ذهن ما پاک شود».

مرد دیده بود که همسرش از آشپزخانه به کوچه پرت شد

محمد سعیدی، امدادگری که از شرق تهران می‌گوید. او از انفجار خیابان دماوند می‌گوید: «خانمی داخل منزل در حال آشپزی بود. انفجار بسیار شدیدی در ساختمان مجاور رخ داد. شدت‌اش به‌حدی بود که کاملاً مشخص بود، هدف مهمی را مورد اصابت قرار داده‌اند. موج انفجار باعث شد این خانم از داخل آشپزخانه، از طبقه دوم، به داخل کوچه پرت بشود. همسر این خانم صحنه را با چشم خودش دیده بود. وقتی پایین آمده بود با حالت شوک‌زده به همه می‌گفت: «من دیدم همسرم از آشپزخانه پرت شد بیرون»، ما قبل از پایین آمدن او، بیکر همسرش را از خیابان جمع‌آوری کرده و در کیسه جسد منتقل کردیم. فرزند این خانواده هم داخل خانه در همان حادثه، شهید شده بود. به نظر می‌رسد همسر و کودک به محل انفجار نزدیک‌تر بودند و بیشترین آسیب را دیده بودند. در آن محدوده، چندین ساختمان آسیب دیده بودند، دو ساختمان در سمت چپ و راست محل اصابت و حدود ۵ یا ۶ خانه در روبه‌رو دچار خسارت شده بودند. چون خانه‌های روبه‌رو ویلایی و کوتاه‌تر بودند، موج انفجار حتی به کوچه پشتی هم رسیده بود. ما برای امدادسانی به کوچه پشتی هم رفتیم. دیوار خانه یک پیرمرد آسیب دیده بود و بر اثر موج انفجار، دچار پارگی قرینه شده بود. حتی تا دو کوچه عقب‌تر هم آثار انفجار دیده می‌شد. تا جایی که پادم هست از همان ساختمان محل اصابت حدود ۴ ساختمان‌های اطراف هم مجموعاً حدود ۵ شهید گزارش شد. یک نفر هم مفقود اعلام شده بود. خودم مربی حمایت روانی هلال‌احمر هستم، کاملاً می‌دانم نیروهایی که در این موقعیت‌ها قرار می‌گیرند به‌شدت در معرض آسیب‌های روانی هستند. این صحنه‌ها تأثیر عمیقی بر ذهن می‌گذرد.

البته الان نسبت به گذشته، شرایط کمی بهتر شده است در جنگ قبلی، نیروها بدون هیچ‌گونه حمایت روانی رها شدند؛ اما الان حداقل یک‌سری خدمات حمایتی ارائه می‌شود. در همان شرایط بحران، کلاس‌هایی برگزار کردیم تا از بار روانی ماجرا کم شود.

شاید نهایتاً ۱۰ درصد از آن چیزی که یک امدادگر می‌بیند و تجربه می‌کند، قابل بیان باشد؛ بقیه‌اش را نمی‌شود منتقل کرد، نه تصویرش، نه بوهایی که در ذهن می‌ماند. حتی یک تصویر برای یکی از بچه‌ها تداعی‌کننده بویی شده



تصور کن

عایدی صلح و ثبات برای کشورهای خاورمیانه چیست؟

مهتا معرفت

مترجم

همه تحلیلگران و اتاق‌های فکر، از زیان‌های اقتصادی جنگ می‌گویند. اگر صلح شسود و خاورمیانه آرام گیرد، چه سودی عاید کشورها می‌شود؟

اگر به اقتصاد جهانی از زاویه هزینه‌های جنگ و منافع صلح نگاه کنیم، خاورمیانه یکی از مهم‌ترین و در عین حال پر هزینه‌ترین مناطق جهان است. منطقه‌ای که طی دهه‌های اخیر بخش بزرگی از منابع مالی، انسانی و زیرساختی آن به جای توسعه، صرف درگیری‌های نظامی، رقابت‌های ژئوپلیتیک و بی‌ثباتی شده است. اگر فرض کنیم که صلح پایدار در سراسر این منطقه جنگ‌زده برقرار شود، پیامدهای اقتصادی آن نه فقط برای کشورهای منطقه بلکه برای اقتصاد جهانی نیز بسیار گسترده و تحول‌آفرین خواهد بود. این گزارش به بررسی مهم‌ترین منافع اقتصادی چنین صلحی می‌پردازد.

بیاید فکر کنیم که خاورمیانه یک دوره با ثبات صلح را پشت سر گذاشته است. در این صورت، کاهش مستقیم هزینه‌های نظامی مهم‌ترین دستاورد صلح خواهد بود. بسیاری از کشورهای منطقه سالانه بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی خود را صرف خرید تسلیحات، نگهداری ارتش‌های بزرگ و تأمین امنیت داخلی می‌کنند. این منابع در صورت کاهش تنش‌ها می‌تواند به سمت آموزش، بهداشت، زیرساخت و فناوری هدایت شود. به طور مثال حتی کاهش چند درصدی بودجه‌های دفاعی در سطح منطقه، معادل ده‌ها میلیارد دلار منابع آزادشده خواهد بود که قابلیت تبدیل شدن به سرمایه‌گذاری‌های مولد را دارد.

مسیر دیگر اثرگذاری این است که صلح پایدار باعث افزایش شدید سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود. سرمایه‌گذاران بین‌المللی همواره به دنبال محیط‌های باثبات هستند و نااطمینانی سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل فرار سرمایه محسوب می‌شود. چنانکه بانک جهانی توضیح داده در شرایط آرامش، کشورهای منطقه می‌توانند به هاب‌های مالی، صنعتی و فناوری تبدیل شوند. شرکت‌های چندملیتی که اکنون به دلیل ریسک‌های سیاسی از ورود به بسیاری از بازارهای منطقه خودداری می‌کنند، در صورت ثبات سیاسی، صنایع انرژی، فناوری، گردشگری و زیرساختی را هدف قرار خواهند داد. این موضوع به رشد اشتغال و افزایش درآمدهای ارزی منجر می‌شود.

یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که از صلح سود می‌برد، تجارت منطقه‌ای است. در وضعیت کنونی، بسیاری از مرزها در منطقه بسته، نیمه‌بسته یا پر هزینه هستند. حمل‌ونقل کالا با محدودیت‌های امنیتی، تعرفه‌های بالا و مسیرهای غیرمستقیم انجام می‌شود. در صورت کاهش تنش‌ها، شبکه تجارت منطقه‌ای می‌تواند به شکل طبیعی و کارآمد شکل بگیرد. این امر هزینه لجستیک را کاهش داده و باعث می‌شود، کشورهای منطقه بتوانند در زنجیره‌های تأمین جهانی، نقش فعال‌تری داشته باشند. افزایش تجارت درون‌منطقه‌ای معمولاً یکی از سریع‌ترین محرک‌های رشد اقتصادی در مناطق پس از بحران است. از منظر انرژی نیز صلح در خاورمیانه اثرات عمیقی دارد. این منطقه یکی از مهم‌ترین مراکز تولید و صادرات نفت و گاز جهان است. بی‌ثباتی سیاسی معمولاً باعث نوسان قیمت انرژی در بازار جهانی می‌شود. در شرایط صلح، ثبات عرضه انرژی افزایش می‌یابد و هزینه‌های بیمه، حمل‌ونقل و ریسک کاهش پیدا می‌کند. این

بود که قبلاً در یک حادثه دیگر تجربه کرده بود. بوی گوشت سوخته مادرش، باعث شده بود، بوی بدن سوخته را به یاد بیاورد، حالش به‌هم خورده و نتوانسته در خانه بماند.

الان هم هنوز مغز ما در وضعیت بقاست؛ در حالت آماده‌باش. به کوچک‌ترین صدا حساس می‌شویم. طبیعی هم هست؛ چون در این ۴۰ روز عملاً خواب و بیداری نداشتیم. نه زمان مشخصی برای غذا خوردن بود نه برای استراحت. هر لحظه ممکن بود اعزام بخورد؛ وسط خواب، وسط غذا یا حتی در زمان استراحت.

معمولاً یکی، دو هفته بعد از پایان بحران و وقتی که ذهن به این نتیجه برسد که شرایط آرام شده، تازه آن چیزهایی که سرکوب شده‌اند، شروع می‌کنند به بالا آمدن. آن موقع است که بی‌خوابی‌ها شروع می‌شود یا خواب‌هایی که بیشتر شبیه کابوس هستند. این تجربه را در حوادث قبلی هم داشتیم؛ از هوابمایی اوکراینی گرفته تا زلزله کرمانشاه و سیل امامزاده داوود. معمولاً یکی دو هفته بعد از حادثه، تازه امدادگرها با آنچه دیده‌اند، روبه‌رو می‌شوند. حمایت روانی نسبت به گذشته بهتر شده اما هنوز کافی نیست. واقعیت این است که نمی‌شود یک امدادگر را بعد از چنین صحنه‌هایی رها کرد و گفت «برو خانه». این فرد با حجم زیادی از استرس، اضطراب و حتی خشم به خانه برمی‌گردد؛ و اگر خانواده داشته باشد این فشار ناخواسته به آنها هم منتقل می‌شود.

در بسیاری از کشورها، بعد از حوادث بزرگ، شرکت در چند جلسه گروه‌درمانی اجباری است. در ایران، این موضوع بعد از حادثه پلاسکو در آتش‌نشانی تا حدی جدی‌تر گرفته شد اما در هلال‌احمر هنوز به شکل کامل اجرا نمی‌شود.

ما خودمان سعی می‌کردیم در همان محل در جمع‌های کوچک، این کار را انجام بدهیم. دور هم می‌نشستیم و درباره اتفاقات حرف می‌زدیم. از نظر روان‌شناسی، این کار نوعی «حساسیت‌زدایی» است؛ اینکه فرد بارها و بارها با موضوع مواجه شود تا شدت واکنش‌ها کمتر شود.

خیلی از بچه‌ها نمی‌توانند این اتفاقات را برای خانواده‌شان تعریف کنند؛ اینها در ذهن‌شان می‌ماند. برای همین، در جمع خودمان، این فضا را ایجاد می‌کردیم که بتوانند حرف بزنند. گاهی این صحبت‌ها به بروز هیجانی ختم می‌شد؛ با هم ناراحت می‌شدیم، گریه می‌کردیم اما همین تخلیه تا حدی کمک‌کننده بود. واقعیت این است که این زخم‌ها به‌سادگی از بین نمی‌روند اما اگر جایی برای بیان و دیده‌شدن‌شان باشد شاید بشود کمی از سنگینی‌شان کم کرد».

معجزه هم زیاد دیدیم

آرش ملا از حادثه میدان رسالت و خیابان ماکویی‌پور زعفرانیه می‌گوید: «ساختمانی که هدف قرار گرفته بود به‌نظر می‌رسید از قبل تا حدی تخلیه شده باشد اما ساختمان‌های اطراف به‌شدت آسیب دیده بودند. موج انفجار بسیار شدید بود؛ شیشه‌ها شکسته و به افراد اصابت کرده بود و خسارت گسترده‌ای به خانه‌های اطراف وارد شده بود. متأسفانه دیدن پیکرها برای ما به‌نوعی عادی شده بود؛ یعنی انتظار داشتیم بیشتر با پیکر مواجه شویم تا مصدوم زنده. همین موضوع از نظر روحی خیلی سنگین بود. از یک ساختمان ۱۲ تا ۱۵ کشته بیرون آوردیم که تشخیص اجساد بعضی‌شان به سختی امکان‌پذیر بود و باید تکه‌تکه‌های پیکرها را کنار هم می‌گذاشتیم، برخی از تکه‌های بدن شهدا اصلاً پیدا نشد. حجم انفجار بالا بود، برخی می‌گفتند ۴ موشک به محدوده اثبات کرده است.

البته روزهای بعد، معجزه هم داشتیم. در خیابان ماکویی‌پور همه تصور می‌کردند، سرایدار یکی از خانه‌های اطراف محل اصابت زیر آوار مانده و جان باخته اما یکی از همسایه‌ها اطلاع داد که آن فرد زنده است. وقتی رفتیم، دیدیم همراه بچه کوچکش در گوشه‌ای پناه گرفته و سالم مانده. ساختمان تقریباً نصفه فرو ریخته بود و هر لحظه احتمال تخریب کامل وجود داشت، مرد می‌گفت نمی‌خواهم از خانه بیرون بیایم، خانم است و جای دیگری برای زندگی کردن ندارم. در حادثه دیگری یک خانواده سه نفره را بدون اینکه خطی به آنها افتاده باشد از یک ساختمان کاملاً تخریب شده، زنده بیرون آوردیم. معجزه هم زیاد دیدیم.

در این مدت، نیروهای زیادی از استان‌های مختلف برای کمک آمدند؛ از مازندران، زنجان، خراسان جنوبی و مناطق دیگر. این نیروها در نقاط مختلف شهر پخش شدند و همه در کنار هم کار می‌کردیم. حجم کار بسیار بالا بود و صحنه‌ها، اغلب بسیار سنگین و تأثیرگذار. چیزی که باقی می‌ماند فقط خستگی جسمی نیست؛ بار اصلی، همان چیزی است که در ذهن آدم می‌ماند».

و حالا میان شهرهای نیمه‌فروریخته، جایی که دیوارها هنوز بوی باروت می‌دهند و صداها در زیر آوار گم شده‌اند، آنچه باقی مانده نه فقط تلی از خاک که خاطره‌هایی است که از ذهن این آدم‌ها پاک نمی‌شود؛ آدم‌هایی که از دل ویرانی برگشته‌اند اما هنوز بخشی از وجودشان همان جا زیر همان سقف‌های فروریخته، جا مانده است.

موضوع نه تنها به نفع کشورهای تولیدکننده است بلکه به ثبات اقتصاد جهانی نیز کمک می‌کند. درآمدهای نفتی در شرایط پایدار می‌تواند به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در انرژی‌های تجدیدپذیر، پتروشیمی و صنایع پیشرفته تبدیل شود نه صرف هزینه‌های امنیتی یا بحران‌های کوتاه‌مدت. گردشگری یکی دیگر از حوزه‌هایی است که بیشترین سود را از صلح می‌برد. بسیاری از کشورهای منطقه دارای میراث تاریخی، فرهنگی و مذهبی بسیار غنی هستند. با این حال، بخش بزرگی از این ظرفیت به دلیل ناامنی یا تصویر منفی بین‌المللی بلااستفاده مانده است. در صورت ایجاد ثبات، جریان گردشگران بین‌المللی می‌تواند به شکل چشمگیری افزایش یابد. این موضوع نه تنها درآمد مستقیم ارزی ایجاد می‌کند بلکه باعث توسعه صنایع وابسته مانند هتل‌داری، حمل‌ونقل، صنایع دستی و خدمات شهری می‌شود. صلح همچنین تأثیر مهمی بر بازار کار دارد. جنگ‌ها معمولاً باعث تخریب نیروی انسانی، مهاجرت اجباری و از بین رفتن مهارت‌ها می‌شوند. در مقابل، ثبات سیاسی امکان بازگشت مهاجران، سرمایه انسانی و نخبان را فراهم می‌کند. بسیاری از متخصصانی که در خارج از منطقه زندگی می‌کنند، در صورت وجود امنیت و فرصت‌های اقتصادی، تمایل به بازگشت خواهند داشت. این بازگشت سرمایه انسانی می‌تواند به رشد نوآوری، کارآفرینی و بهره‌وری کمک کند.

چرا این گزارش آرزو می‌ماند؟

اینکه چنین چشم‌اندازی در حد آرزو باقی می‌ماند، بیش از آنکه به یک عامل واحد مربوط باشد، نتیجه هم‌زمان چند لایه پیچیده سیاسی، تاریخی و اقتصادی است که در هم تنیده شده‌اند. نخستین عامل، مسئله امنیت و بی‌اعتمادی ساختاری میان دولت‌هاست. در بسیاری از نقاط خاورمیانه، تجربه‌های تاریخی جنگ، کودتا، اشغال یا رقابت‌های طولانی باعث شده، کشورها رفتار یکدیگر را تهدیدآمیز تفسیر کنند. در چنین شرایطی حتی اگر نیت صلح وجود داشته باشد، ترس از تغییر موازنه قدرت مانع اعتماد پایدار می‌شود. دلیل بعدی، نقش قدرت‌های خارجی است. منطقه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و انرژی همواره محل رقابت قدرت‌های جهانی بوده است. این رقابت‌ها گاهی باعث تشدید اختلافات داخلی و منطقه‌ای می‌شود چون برخی کشورها از حمایت بیرونی برای پیشبرد اهداف خود برخوردار می‌شوند. نتیجه این وضعیت، طولانی شدن بحران‌ها و دشوار شدن مصالحه است. از سوی دیگر در خاورمیانه بسیاری از تنش‌ها به جای آنکه مستقیم بین کشورها باشد، در قالب گروه‌های نیابتی در کشورهای دیگر جریان دارد. این نوع جنگ‌ها پایان‌پذیری کمتری دارند چون بازیگران متعدد با اهداف متفاوت در آن دخیل‌اند. از طرف دیگر، ساختارهای اقتصادی وابسته به رانت، به‌ویژه در اقتصادهای نفتی، نیز باعث شده برخی دولت‌ها کمتر به تنوع اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای وابسته باشند. در نتیجه، انگیزه اقتصادی فوری برای همکاری پایدار در همه کشورها به یک اندازه قوی نیست. شکاف‌های هویتی، قومی و مذهبی نیز نقش مهمی در این فرآیند دارند. این شکاف‌ها وقتی با سیاست‌گره می‌خورند به آسانی قابل مدیریت نیستند و به منبع دائمی سوءظن تبدیل می‌شوند. دست آخر اینکه نبود نهادهای منطقه‌ای قدرتمند که بتوانند اختلافات را به شکل حقوقی و پایدار حل کنند، باعث می‌شود هر بحران کوچک به سرعت امنیتی شود. به همین دلیل حتی اگر منافع اقتصادی صلح روشن و بزرگ باشد، مسیر رسیدن به آن در خاورمیانه همچنان پیچیده، کند و پر هزینه باقی می‌ماند.

منبع: گلوبال ریسرچ

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

اقتصادهای جنگ‌زده

ترکش جنگ بر پیکر کدام کشورها نشست؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی خود تصویری پیچیده و چندلایه از آینده اقتصاد جهان پس از آغاز درگیری نظامی جدید در خاورمیانه ارائه می‌دهد؛ جنگی که از اواخر فوریه ۲۰۲۴ آغاز شده و به‌عنوان یک شوک ژئوپلیتیک تازه، تعادل شکننده اقتصاد جهانی را تحت‌تأثیر قرار داده است. بر اساس این گزارش، اقتصاد جهان پیش از وقوع این جنگ نیز در وضعیت متوازی شکننده قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که نبردهای بازدارنده‌ای مانند افزایش موانع تجاری، بدهی‌های عمومی بالا و نااطمینانی‌های سیاسی در کنار نیروهای حمایتی همچون سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو، سیاست‌های پولی نسبتاً تسهیلی و تضعیف دلار، نوعی تعادل ناپایدار ایجاد کرده بودند. اما آغاز جنگ در خاورمیانه این تعادل را برهم زده و از طریق افزایش قیمت کالاها اساسی، تشدید انتظارات تورمی و سخت‌تر شدن شرایط مالی به عامل جدیدی برای فشار بر رشد اقتصادی جهانی تبدیل شده است. صندوق بین‌المللی پول در این گزارش به‌جای ارائه یک پیش‌بینی واحد، سه سناریوی اصلی را مطرح کرده است. در سناریوی مرجع که محتمل‌ترین وضعیت تلقی می‌شود، فرض بر این است که جنگ محدود بوده و آثار آن تا میانه سال ۲۰۲۴ کاهش می‌یابد. در این حالت، رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۴ حدود ۳.۱ درصد و در سال ۲۰۲۷ حدود ۳.۲ درصد پیش‌بینی شده است. این ارقام کمتر از روند رشد سال‌های قبل هستند و نشان می‌دهند که حتی در سناریوی کنترل‌شده نیز جنگ اثر کاهنده بر رشد جهانی دارد. در همین چارچوب، تورم جهانی نیز ابتدا به حدود ۴.۴ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته سپس در سال ۲۰۲۷ به حدود ۳.۷ درصد کاهش می‌یابد. این تغییرات نشان‌دهنده انتقال فشارهای ناشی از افزایش قیمت انرژی و کالاها به سطح عمومی قیمت‌هاست. در این گزارش تأکید شده است که بدون وقوع جنگ، رشد جهانی می‌توانست بالاتر باشد و حتی به حدود ۳.۴ درصد برسد بنابراین بخشی از کاهش فعلی مستقیماً به تنش‌های خاورمیانه نسبت داده می‌شود. با این حال اثر این جنگ در سطح جهانی یکواخت نیست و کشورها به شکل متفاوتی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. اقتصادهای پیشرفته نسبتاً مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند اما کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور، به‌ویژه واردکنندگان انرژی و کالا، بیشترین آسیب را تجربه می‌کنند. این کشورها با کاهش رشد، افزایش هزینه واردات و فشار بر تراز پرداخت‌ها مواجه شده‌اند و شکاف توسعه‌ای میان کشورها در حال افزایش است.

صندوق بین‌المللی پول همچنین دو سناریوی بدبینانه را مطرح کرده است. در سناریوی نخست که با افزایش پایدار قیمت انرژی همراه است، رشد جهانی به حدود ۲.۵ درصد کاهش می‌یابد و تورم به ۵.۴ درصد می‌رسد. در سناریوی شدیدتر که در آن زیرساخت‌های انرژی در منطقه آسیب جدی می‌بینند، رشد جهانی ممکن است تا حدود ۲ درصد سقوط کند و تورم تا بیش از ۶ درصد افزایش یابد. این وضعیت می‌تواند به یک بحران انرژی گسترده منجر شود که اثرات آن از خاورمیانه فراتر رفته و کل اقتصاد جهانی را تحت فشار قرار دهد. در چنین شرایطی کشورهای در حال توسعه بیش از دو برابر اقتصادهای پیشرفته آسیب خواهند دید زیرا هم وابستگی بیشتری به واردات انرژی دارند و هم ظرفیت مالی محدودتری برای مقابله با شوک‌ها دارند. در کنار جنگ این گزارش به مجموعه‌ای از ریسک‌های ساختاری دیگر نیز اشاره می‌کند که می‌توانند، اقتصاد جهانی را تهدید کنند. از جمله این عوامل می‌توان به تنش‌های تجاری، محدودیت در زنجیره تأمین مواد معدنی حیاتی، نوسانات بازار فناوری به‌ویژه عدم قطعیت درباره سسودآوری هوش مصنوعی اشاره کرد. همچنین افزایش بدهی عمومی و کسری بودجه در بسیاری از کشورها، فشار مضاعفی بر نرخ‌های بهره بلندمدت وارد کرده و فضای مالی دولت‌ها را محدود کرده است. از سوی دیگر، تضعیف نهادهای اقتصادی و کاهش استقلال بانک‌های مرکزی می‌تواند، انتظارات تورمی را بی‌ثبات کند و هزینه کنترل تورم را افزایش دهد. در بخش سیاستی، صندوق بین‌المللی پول تأکید می‌کند که کشورها باید مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ و منعطف را در پیش بگیرند. حفظ ثبات قیمتی، کنترل تورم، مدیریت بدهی عمومی و اجرای اصلاحات ساختاری از مهم‌ترین اولویت‌هاست. بانک‌های مرکزی باید با شفافیت و استقلال کامل عمل کنند تا از تبدیل شوک‌های موقت به بحران‌های پایدار جلوگیری شود. در عین حال، حمایت‌های مالی از اقسشار آسیب‌پذیر باید هدفمند و موقتی باشد تا به تعادل بودجه‌ای کشورها آسیب نزنند. همچنین همکاری بین‌المللی و کاهش تنش‌های تجاری به‌عنوان یکی از کلیدهای اصلی بازگشت ثبات اقتصادی معرفی شده است. گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که اقتصاد جهانی در سال‌های پیش رو در نقطه‌ای حساس قرار دارد؛ جایی که جنگ خاورمیانه تنها یکی از عوامل فشار است و در کنار مجموعه‌ای از ریسک‌های ساختاری، می‌تواند مسیر رشد جهانی را کندتر، پرنوسان‌تر و نااطمینان‌تر کند.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتانی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی، امیر اقلتانی
مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین فر • حروفچین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۴۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

بدون بحران معیشت

روایتی از عملکرد دولت در تامین نیازهای مردم در جنگ ۴۰ روزه



گروه سیاسی: جنگ ۴۰ روزه ایران با آمریکا و اسرائیل، یکی از پیچیده‌ترین مقاطع سیاسی و اقتصادی سال‌های اخیر را رقم زد؛ دوره‌ای که بسیاری از تحلیلگران انتظار داشتند در آن زیرساخت‌های اقتصادی و شبکه تامین کشور دچار اختلال جدی شود. نگرانی از کمبود بنزین، برق، آب و مواد غذایی در همان روزهای نخست جنگ در میان افکار عمومی شکل گرفت. با این حال روند تحولات نشان داد که دولت توانسته است همزمان با مدیریت شرایط جنگی و فشارهای خارجی ثبات نسبی را در اداره کشور حفظ کند.

در کنار اقدامات نظامی و امنیتی، عملکرد دولت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و دیپلماسی به یکی از محورهای اصلی تحلیل‌ها درباره این جنگ تبدیل شد. از تامین کالاهای اساسی و کنترل بازار گرفته تا حفظ جریان انرژی و فعال‌سازی دیپلماسی برای پایان درگیری‌ها و مجموعه‌ای از اقدامات دولتی در کنار همراهی مردم، تصویر متفاوتی از مدیریت کشور در شرایط جنگی ارائه داد.

مدیریت بحران در دل جنگ

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در گفت‌وگو با سازندگی درباره نحوه مدیریت دولت در این شرایط توضیح می‌دهد: «در چنین شرایطی، حفظ ثبات بیش از هر چیز حاصل ترکیبی از آمادگی قبلی و مدیریت لحظه‌ای است. دولت‌ها معمولاً با ایجاد ذخایر راهبردی از کالاهای اساسی و سوخت از قبل خود را برای بحران‌ها آماده می‌کنند تا در زمان فشار، بازار دچار کمبود ناگهانی نشود».

او همچنین بر نقش هماهنگی میان نهادهای اجرایی تأکید می‌کند: «در کنار آن، هماهنگی میان نهادهای اجرایی، از بخش‌های تامین و واردات تا شبکه توزیع، نقش مهمی دارد. وقتی زنجیره تامین به‌صورت پیوسته رصد و مدیریت شود، حتی با وجود افزایش قیمت‌ها، جریان کالا قطع نمی‌شود و دسترسی عمومی حفظ می‌شود». به گفته سخنگوی دولت: «در حوزه انرژی هم پراکندگی زیرساخت‌ها، پیش‌بینی سناریوهای جایگزین و مدیریت مصرف، کمک می‌کند تا اختلال‌ها به حداقل برسد و خدماتی مثل برق و سوخت پایدار بماند. در مجموع آنچه دیده شده، نتیجه نوعی «مدیریت بحران» است که بر پایه ذخیره‌سازی، توزیع هدفمند و هماهنگی بین‌بخشی شکل گرفته و باعث شده، جامعه با کمبود جدی مواجه نشود حتی در شرایط جنگی».

بازار و زنجیره تامین

در روزهای ابتدایی جنگ، با افزایش نگرانی‌های عمومی، مراجعه مردم به نانوایی‌ها، فروشگاه‌های مواد غذایی و مراکز عرضه کالاهای اساسی افزایش یافت. صف‌های خرید در برخی مناطق شکل گرفت اما این وضعیت تنها چند روز ادامه داشت و به‌تدریج بازار به شرایط عادی بازگشت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیش از آغاز جنگ، دولت بخشی از کالاهای اساسی مانند گندم، برنج و نهادهای دامی را از طریق بنادر مختلف وارد و در انبارها ذخیره کرده بود. همین ذخایر باعث شد که شبکه توزیع در طول جنگ با اختلال جدی مواجه نشود. حتی با افزایش سفر مردم از تهران به شهرهای شمالی و مناطق مسافرپذیر، کمبود قابل توجهی در عرضه مواد غذایی گزارش نشد. در برخی شهرها برای توزیع عادلانه‌تر نانوایی‌ها سقفی برای فروش روزانه نان تعیین کردند تا همه شهروندان بتوانند، نیاز خود را تامین کنند. این تصمیم‌ها در کنار افزایش توزیع آرد در سطح کشور باعث شد که نگرانی‌ها درباره کمبود نان به سرعت فروکش کند.

روایت بخش خصوصی از عملکرد دولت

حسین سلاح‌ورزی، رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران در ارزیابی عملکرد دولت در طول جنگ معتقد است بسیاری انتظار داشتند که اقتصاد کشور به سرعت دچار اختلال شود اما واقعیت به شکل دیگری رقم خورد. او می‌گوید: در طول ۴۰ روز جنگ همه‌جانبه و تجاوز گسترده آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بسیاری تصور می‌کردند که زیرساخت‌ها و زنجیره تامین به سرعت فلج شود و بنزین، برق، آب و غذا نایاب شود. اما به گفته او، آنچه در عمل رخ داد نشان داد که هم دولت در مدیریت امور روزمره عملکرد قابل قبولی داشت و هم مردم با همدلی و

نقاط قابل توجه مدیریت بحران در این دوره بوده است. جلایی‌پور همچنین تأکید می‌کند که استمرار خدمات عمومی در شرایط جنگی و حفظ ثبات نسبی در بازار کالاهای اساسی نتیجه همزمانی سه عامل شامل عملکرد دولت، همراهی نهادهای اجرایی و انسجام اجتماعی بوده است؛ عواملی که به گفته او موجب شد، اهداف اصلی حملات و فشارهای خارجی محقق نشود.

نقش خودکفایی و انسجام اجتماعی

محمد بیات، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها هم روز گذشته در گفت‌وگو با خبرگزاری پانا در تحلیل عملکرد دولت دکتر پزشکیان در جنگ چهار روزه رمضان و اقدامات صورت گرفته در ابعاد مختلف با بیان اینکه همه پای کار بودند؛ گفت همان‌طور که میدان‌داران در حوزه نظامی میدان‌داری کردند، دیپلمات‌ها نیز در عرصه دیپلماسی فعال بودند. مردم در کنار نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای سلحشور امنیتی ایستادگی کردند.

بیات با اشاره به نقش دولت در تامین نیازهای اساسی مردم می‌گوید که دولت هم واقعاً کار خود را به نحو شایسته و بایسته انجام داد و قابل تحسین و تقدیر است. در تامین کالاهای اساسی، مایحتاج زندگی مردم، حقوق و مزایا، فعالیت بانک‌ها و دستگاه‌های خدمات‌رسان، نظارت عالی وجود داشت و در نوع خود بی‌نظیر عمل کردند.

این نماینده مجلس با بیان اقدام قابل توجه در تقویض اختیار به مدیران محلی خاطر نشان کرد که به شهرداران، دهیاری‌ها، شوراها، بخشداران، فرمانداران و استانداران اختیار تام داده شده بود تا در شرایط مختلف بدون نیاز به تماس با مرکز، خودشان با اختیار کامل اقدام کنند و این مسئله را قابل تحسین دانست.

علیرضا نوین، نماینده مردم تبریز هم با اشاره به وضعیت معیشتی و تامین نیازهای اساسی مردم معتقد است که ایران طی ۴۷ سال گذشته در سایه تحریم‌ها مسیر خودکفایی را طی کرده و امروز توانسته در شرایط جنگی نیز ثبات نسبی بازار و دسترسی پایدار مردم به کالاهای اساسی را حفظ کند. او می‌گوید که برخلاف برخی پیش‌بینی‌ها درباره احتمال کمبود و بحران در طول جنگ اخیر، فروشگاه‌ها با تنوع و فراوانی کالاهای اساسی مواجه بودند و نشانه‌ای از قحطی یا کمبود گسترده مشاهده نشد.

نوین همچنین با اشاره به مدیریت حوزه انرژی تأکید می‌کند که دولت با برنامه‌ریزی در عرضه و تقاضای سوخت‌های اساسی از جمله بنزین، گازوئیل و گاز مایع توانست از بروز اختلال جدی جلوگیری کند و در موارد آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها نیز با ورود سریع نیروهای فنی و عملیاتی، خدمات در کوتاه‌ترین زمان ممکن بازسازی شد.

به گفته این نماینده مجلس، بخشی از پایداری خدمات در حوزه انرژی و توزیع کالا مرهون تلاش شبانه‌روزی کارگران، مهندسان و فعالان بخش تولید بوده است؛ افرادی که با وجود

تهدیدها و فشارها، روند تولید و توزیع را بدون وقفه ادامه دادند.

او با تأکید بر نقش انسجام اجتماعی در مدیریت شرایط بحرانی تأکید می‌کند که اتحاد مردم در این دوره، پشتوانه مهمی برای دولت و نیروهای اجرایی و نظامی بود و در مقابل پیش‌بینی‌ها و فضا سازی‌هایی که از «بحران قریب‌الوقوع و قحطی» سخن می‌گفتند، تحقق نیافت.

نقش مردم در حفظ ثبات

همان‌طور که اشاره شد، بخش مهمی از مدیریت بحران به رفتار اجتماعی مردم بازمی‌گردد. برخلاف پیش‌بینی برخی تحلیلگران خارجی که انتظار هجوم گسترده به فروشگاه‌ها و شکل‌گیری بازار سیاه را داشتند، خریدهای هیجانی تنها در روزهای ابتدایی دیده شد و به سرعت کاهش یافت. در بسیاری از محله‌ها همکاری و همبستگی اجتماعی افزایش یافت؛ از تقسیم سهمیه‌ها تا کمک به سالمندان برای تهیه مایحتاج روزانه. این رفتار جمعی فشار بر شبکه توزیع را کاهش داد و امکان مدیریت بهتر بازار را برای دولت فراهم کرد.

پشتیبانی از میدان و دیپلماسی

در کنار اداره امور روزمره کشور، دولت نقش مهمی در پشتیبانی از نیروهای نظامی نیز ایفا کرد. تامین تجهیزات، تدارکات و امکانات مورد نیاز برای ادامه عملیات‌ها برعهده مجموعه‌ای از نهادهای دولتی بود. مسئولان وزارت دفاع اعلام کرده بودند که بخش عمده‌ای از تسلیحات مورد استفاده نیروهای مسلح در داخل کشور تولید می‌شود و ذخایر راهبردی لازم برای ادامه جنگ از قبل پیش‌بینی شده بود. این آمادگی باعث شد که نیروهای نظامی بدون نگرانی از کمبود تجهیزات به عملیات‌های خود ادامه دهند.

در کنار مدیریت داخلی، دولت تلاش کرد از مسیر دیپلماسی نیز برای کاهش تنش‌ها و پایان درگیری‌ها استفاده کند. ارتباط مستمر رئیس‌جمهور با رهبران کشورهای مختلف و فعالیت گسترده دستگاه دیپلماسی در عرصه بین‌المللی از جمله اقداماتی بود که در این زمینه انجام شد. این تلاش‌ها در نهایت به مذاکراتی در اسلام‌آباد و اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای میان طرف‌های درگیر انجامید؛ توافقی که بسیاری از تحلیلگران، آن را نتیجه ترکیبی از مقاومت نظامی و تحرکات دیپلماتیک ایران دانستند.

ارزیابی عملکرد دولت در دوران جنگ نشان می‌دهد که مدیریت کشور در چنین شرایطی نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات همزمان است؛ از ذخیره‌سازی کالاهای اساسی و مدیریت انرژی گرفته تا پشتیبانی از نیروهای نظامی و فعال‌سازی دیپلماسی. در کنار این عوامل، همراهی اجتماعی مردم نیز نقشی تعیین‌کننده در حفظ ثبات کشور داشت. تجربه این ۴۰ روز نشان داد که تاب‌آوری در شرایط بحرانی، حاصل ترکیب برنامه‌ریزی دولتی، آمادگی اقتصادی و همکاری اجتماعی است.